



دو انفجار در غرب کابل هفت کشته و شش زخمی بر جای گذاشت

حوالی ساعت ۲:۴۰ دقیقه بعد از ظهر دیروز (شنبه، ۲۲ جوزا) دو انفجار همزمان در حوزه‌های ششم و سیزدهم امنیتی شهر کابل رخ داد. وزارت داخله گفته است که در این دو رویداد هفت نفر کشته و شش نفر دیگر زخمی شده‌اند.



صفحه ۲

حملات تنظیم شده بر هزاره‌ها/شیعه‌ها؛

راهکارهای فوری و
استراتژیک چیست؟

صفحه ۳

افغانستان در
تنگنای جنگ و صلح

صفحه ۴

کابل؛

شهر آشوب



صفحه ۴

انباشت خشونت؛

ظهور آنارشیا و
تهدید صلح اجتماعی

صفحه ۵

نسل کشی را بفهمیم

صفحه ۷

یادداشت روز

سراب طرح امنیتی غرب کابل

در فاصله‌ی حدود دو هفته از به میان آمدن بحث در خصوص تدوین و اجرایی شدن یک طرح امنیتی مشترک میان حکومت و مردم محل برای غرب کابل تاکنون دست کم هفت حمله بر غیرنظامیان هزاره‌تبار در غرب کابل صورت گرفته است. پنج موتر مسافربری از نوع تونس و سراجچه و یک بس مسافربری شهری در ده روز اخیر، در غرب کابل توسط بمب‌های مقناطیسی جاسازی شده منفجر شده است. در این انفجارها ده‌ها نفر در آتش انفجارها زنده زنده سوختند. تعدادی از سوختگی مردند و برخی به شدت جراحات برداشتند.

حملات سیستماتیک بر هزاره‌ها و شیعیان در سراسر کشور و به خاصه در محلات شیعه/هزاره‌نشین غرب پایتخت، اتفاق جدیدی نیست. این حملات که مصادیق چشم‌پوشی‌ناپذیر پاکسازی قومی و نسل‌کشی است، از هفت سال قبل آغاز شد. در این هفت سال در بیش از ۳۵ حمله بر اماکن عمومی و تجمعات غیرنظامیان بیش از یک‌هزار غیرنظامی کشته و دست کم دو هزار تن دیگر مجروح شده‌اند...

۲

طالبان: زارع بلخ
را سقوط دادیم؛
ارتش: ولسوالی
را تغییر موقعیت
دادیم



۲

۱۸ سرباز در سقوط ولسوالی «تولک» غور کشته شدند

اطلاعات روز: نمایندگان مردم غور در مجلس نمایندگان تأیید می‌کنند که ولسوالی تولک این ولایت به دست جنگ‌جویان گروه طالبان افتاده است. عطا محمد دهقان پور، نماینده‌ی مردم غور در...

۲

عفو بین‌الملل:
حکومت افغانستان
فورا چالش کمبود
آکسیجن را
رفع کند



۲

تعمیر فروشی

یک تعمیر تجارتي به مساحت {316.25 متر مربع} واقع مارکیت میوه {تاحیه 4، کابل - افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده میشود. ضرورت مندان و اشخاصیکه خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



بسته های ویژه اینترنتی برای
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

حکومت افغانستان اما، فقط در دو مقطع که فشار افکار عمومی در برابر کوتاهی حکومت در تأمین امنیت شیعیان/هزاره‌ها شدت گرفت، ردای ساختن و اجرایی‌کردن طرح امنیتی حکومت-مردم‌محور برای حفاظت از این گروه قومی-مذهبی را بر تن کرد. باری، چند سال قبل، تحت فشارهای شدید افکار عمومی، طرحی روی دست گرفته شده و اجرایی شد اما این طرح هرگز به سطحی که پاسخگوی نیازهای مردم و حفاظت از شهروندان غرب پایتخت باشد، نبود.

پس از حمله به مکتب سیدالشهدا، با فزونی‌گرفتن فشار افکار عمومی، حکومت مجدداً به ساختن یک طرح امنیتی برای حفاظت از غرب پایتخت پناه برد. نزدیک به یک ماه که از حمله‌ی خونین به مکتب سیدالشهدا می‌گذرد، مشخص نیست طرح امنیتی مورد ادعای حکومت در این وضعیت اضطراری روی میز کدام مقام و در دهلیز کدام نهادها/مقام‌ها سرگردان است.

به‌نظر می‌رسد ادعای حکومت مبنی بر ساختن طرح امنیتی ویژه برای حفاظت از غرب کابل در برابر حملات سیستماتیک، سرابی بیش نباشد. این حملات اتفاق تازه و شناخته‌نشده‌ای نیست که ساختن طرح آن در فوریت کنونی، هفته‌ها در بر بگیرد. از هفت سال به این سو یک گروه قومی-مذهبی مشخص در مناطق مشخص هدف حمله قرار گرفته‌اند. هفت سال، زمان بسیار طولانی است که در آن می‌توان طرح امنیتی-نظامی تسخیر یک کشور را تدوین و اجرایی کرد. اگر حکومت اراده‌ای واقعی برای حفاظت از غرب کابل می‌داشت و در برابر حفاظت از جان غیرنظامیان هزاره‌تبار و شیعیان کشور حس مسئولیتی وجود داشت، تا کنون فرصت کافی برای ساختن، اجرایی‌کردن و آزمودن صدها طرح امنیتی فراهم بوده است.

واقع این است پیامی که از تعلل، بی‌پروایی و بی‌توجهی بی‌شرمانه‌ی حکومت نسبت به تأمین امنیت یک گروه قومی-مذهبی خاص به مردم مخابره می‌شود، می‌تواند پیامدهای تکان‌دهنده و جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. شهروندانی که هدف این حملات سیستماتیک قرار گرفته‌اند، شاید هفت سال برای بلندشدن دودی از تنور حکومت انتظار کشیده باشند اما قطعاً این انتظار نامحدود و بی‌پایان نیست. هر انسانی به حکم غریزه‌ی طبیعی و البته حق طبیعی‌اش، سرانجام برای حفاظت از جان خود دست به اقدام می‌شود. هیچ حکومت و نظام و قانونی نمی‌تواند از یک طرف در انجام یکی از اساسی‌ترین مسئولیت‌هایش مبنی بر حفاظت از شهروندان به‌صورت پیوسته بی‌توجهی کند و از سوی دیگر، حق حفاظت از جان را به‌عنوان یک حق سلب‌ناپذیر از گروه‌های در معرض حمله و پاکسازی قومی بگیرد. با دوام بی‌پروایی حکومت، مردم قطعاً دیر یا زود راه آغاز اقدامات دفاعی و حفاظتی خودی را درمی‌یابند. به حکم غریزه‌ی دفاع و حفاظت از خویشتن.

آنچه خطرناک و مهم است، پیامد توسل جستن مردم به امکانات دفاعی خویشتن و قطع آخرین رگه‌های امید از حکومت است. اگر مردم سرانجام به این نتیجه برسند که چاره‌ای جز توسل به دفاع خودی ندارند، بزرگ‌ترین بازنده‌ی این اتفاق دولت افغانستان خواهد بود زیرا عملاً، ضعف و ناتوانی‌اش به نمایش گذاشته شده و اتوریته و مشروعیت دولتی در این زمانه‌ی حساس و خطیر لکه‌دار می‌شود.

اطلاعات روز: حوالی ساعت ۲:۴۰ دقیقه‌ی بعد از ظهر دیروز (شنبه، ۲۲ جوزا) دو انفجار همزمان در حوزه‌های ششم و سیزدهم امنیتی شهر کابل رخ داد. وزارت داخله گفته است که در این دو رویداد هفت نفر کشته و شش نفر دیگر زخمی شده‌اند.

احمدضیا ضیا، معاون سخن‌گوی وزارت داخله گفته است که یک انفجار در نزدیکی شفاخانه محمدعلی جناح در حوزه‌ی ششم رخ داده است. در این

انفجار که یک عراده موتر شخصی را هدف قرار داده، شش نفر به‌شمول یک زن کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند. به‌گفته‌ی ضیا، انفجار دیگر در ساحه‌ی حوزه‌ی سیزدهم امنیتی شهر کابل رخ داده و یک عراده موتر تونس را هدف قرار داده است. شاهدان عینی محل این رویداد را بین ایستگاه شفاخانه و ایستگاه سرپل گزارش کرده‌اند.

معاون سخن‌گوی وزارت داخله گفته است که در این رویداد یک نفر کشته و

چهار نفر دیگر به‌شمول یک زن زخمی شده‌اند.

او تأکید کرده است که قربانیان این رویدادها همه غیرنظامیان‌اند.

فرد یا گروهی تا کنون مسئولیت این دو رویداد را بر عهده نگرفته است.

از تاریخ ۱۱ جوزا تا کنون شش انفجار در غرب کابل رخ داده است. دو انفجار نخست در ۱۱ جوزا در ساحه‌ی سر کاریز و کوچه الماس غرب حوزه‌ی سوم شهر کابل رخ داد. در این دو رویداد،

۱۰ غیرنظامی کشته و ۱۲ غیرنظامی دیگر زخمی شدند.

دو روز پس از آن، دو انفجار دیگر در مسیر جاده‌ی فیض‌محمد کاتب

در ساحه‌ی حوزه‌ی ششم و ساحه‌ی پل سوخته‌ی حوزه‌ی سوم امنیتی شهر

کابل رخ داد. در این دو رویداد نیز دست‌کم ۱۰ نفر کشته و حدود ۱۰ نفر

دیگر زخمی شدند.

مسئولیت این رویدادها را هیچ گروهی بر عهده نگرفته بود.

طالبان: زارع بلخ را سقوط دادیم؛ ارتش: ولسوالی را تغییر موقعیت دادیم

اطلاعات روز: گروه طالبان ادعا می‌کند که ولسوالی زارع ولایت بلخ در شمال کشور در نتیجه‌ی حمله‌ی جنگ‌جویان این گروه سقوط کرده است.

ذبح‌الله مجاهد، از سخن‌گویان گروه طالبان گفته است که جنگ‌جویان این گروه صبح دیروز (شنبه، ۲۲ جوزا) ساختمان‌های ولسوالی و فرماندهی پولیس ولسوالی زارع را در کنترل گرفته‌اند.

او همچنین ادعا کرده است که تعدادی زیادی از سلاح‌های سبک و سنگین و مهمات نیروهای امنیتی هم به‌دست طالبان افتاده است. این سخن‌گوی طالبان افزوده است که در جریان درگیری در این حمله‌ی این گروه، بر نیروهای امنیتی هم تلفات وارد شده است. با این حال، قول اردوی ۲۰۹ شاهین اعلام کرده است که مرکز این ولسوالی به‌دلیل محصوربودن موقعیت و اكمال‌نشدن نیروهای امنیتی و دفاعی در آن و غیرمؤثربودن این نیروها براساس فیصله‌ی شورای نظامی ولایت بلخ در روستای «تاشلکین و اومکی» تغییر موقعیت داده شده است.

در اعلامیه‌ای که از سوی این قول اردو منتشر شده، آمده است که امکانات و نیروی بشری ولسوالی زارع و نیروهای دفاعی و امنیتی حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح دیروز به این روستا در خط فاصل میان ولسوالی‌های زارع و کشنده انتقال داده شده‌اند.

اما غلام‌سخی لاله، عضو شورای ولایتی بلخ به روزنامه اطلاعات روز تأیید کرد که ولسوالی زارع به‌دست طالبان سقوط کرده است. او گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی پس از انتقال به منطقه‌ی تاشلکین و اومکی، به شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ منتقل شده‌اند.

او همچنین گفت که در جریان حمله‌ی طالبان بر مرکز ولسوالی زارع، یک نظامی کشته و یک نظامی دیگر زخمی شده‌اند.

ولایت بلخ در شمال کشور از ولایت‌های نسبتاً امن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت از جمله ولسوالی زارع حضور و فعالیت دارند. این گروه اخیراً به حملات‌شان در این ولایت و شماری از ولایت‌های دیگر شدت بخشیده است.

از سویی هم، این درحالی است که در روزهای اخیر چندین ولسوالی در ولایت‌های بدخشان، غزنی، ارزگان، فاریاب، تخار، لغمان، بغلان، نورستان، زابل، بادغیس و میدان‌وردک به‌دست گروه طالبان سقوط کرده است.

حکومت افغانستان هم اعلام کرده است که عملیات برای بازپس‌گیری تعدادی از این ولسوالی‌ها آغاز شده است.

کواکس ۴۶۸ هزار دوز واکسین کرونا را در اختیار افغانستان قرار می‌دهد

کواکس در ۱۸ حوت سال گذشته‌ی خورشیدی نیز ۴۶۸ هزار دوز واکسین کرونا از نوع استرا زَنکا را در اختیار افغانستان قرار داده بود.

افغانستان تا کنون به‌صورت مجموعی یک‌میلیون و ۶۶۸ هزار دوز واکسین کرونا را از هند، چین و برنامه‌ی کواکس دریافت کرده است. محموله‌ی دوم واکسین کواکس هنوز مشخص نشده است که چه وقت به افغانستان خواهد رسید.

وزارت صحت عامه‌ی افغانستان در ماه دلو سال گذشته اعلام کرده بود که کواکس ۱۶ میلیون دوز واکسین کرونا را برای افغانستان تهیه می‌کند.

وحید مجروح، سرپرست این وزارت در آن زمان گفته بود که هزینه‌ی این ۱۶ میلیون دوز واکسین را اتحاد جهانی واکسین می‌پردازد و این مقدار واکسین برای ۲۰ درصد جمعیت افغانستان در نظر گرفته شده است.

اطلاعات روز: داکتر رامرز ال‌اکبروف، معاون نماینده‌ی ویژه‌ی دبیرکل سازمان ملل متحد برای افغانستان گفته است که کواکس (نهاد هماهنگ‌کننده تلاش‌های جهانی برای دسترسی کشورها به واکسین کووید۱۹)، ۴۶۸ هزار دوز واکسین کرونا را در اختیار وزارت صحت عامه افغانستان قرار می‌دهد.

آقای ال‌اکبروف دیروز (شنبه، ۲۲ جوزا) در توییتی نوشته است که کواکس به‌صورت مشترک توسط نمایندگی سازمان صحتی جهان در افغانستان، اداره حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) و اتحاد جهانی واکسین (گاوی) رهبری می‌شود. به‌گفته‌ی او، واکسینی که قرار است در آستانه‌ی مبارزه‌ی افغانستان با کووید۱۹، از طریق برنامه‌ی کواکس در اختیار وزارت صحت عامه این کشور قرار بگیرد، از نوع «استرا زَنکا» است.

۱۸ سرباز در سقوط ولسوالی «تولک» غور کشته شدند

این گروه همچنین ادعا کرده است که در این حمله‌ی جنگ‌جویانش، ۲۰ نیروی امنیتی کشته شده‌اند.

ولایت غور در غرب کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت حضور و فعالیت گسترده دارند. در ماه‌های اخیر طالبان به حملات‌شان در این ولایت شدت بخشیده است.

ولسوالی شهرک این ولایت در تاریخ ۱۶ جوزا به‌دست جنگ‌جویان طالبان سقوط کرد. همچنین به‌دلیل تهدید این گروه آنتن‌های شبکه‌های مخابراتی به استثنای شبکه‌ی دولتی «سلام» از ۱۵ جوزا به این طرف قطع است.

کشته شده‌اند.

آقای رضازاده افزود که در جمع کشته‌شدگان، مدیر امنیت ملی ولسوالی تولک و فضل‌احمد خان، فرمانده نیروهای خیزش مردمی این ولسوالی نیز شاملند.

همچنین به‌گفته‌ی او، شش نفر دیگر از نیروهای امنیتی در جریان این درگیری زخمی و تعدادی از آنان هم توسط طالبان اسیر شده‌اند.

مسئولان محلی و امنیتی غور تاکنون در این موارد چیزی نگفته‌اند.

گروه طالبان اما گفته است که یک قرارگاه بزرگ و سه پاسگاه نیروهای امنیتی تاکنون به‌دست این گروه در مرکز ولسوالی تولک سقوط کرده است.

خبر».

در همین حال، او افزود که سلیمان یوسفی، ولسوال تولک هم با تعدادی از کارمندان این ولسوالی به طالبان تسلیم شده‌اند.

از سویی هم، این عضو مجلس نمایندگان تأکید کرد که براساس آمارهای ابتدایی در جریان حمله‌ی طالبان در مرکز ولسوالی تولک، ۲۵ نیروی امنیتی کشته شده‌اند.

اما کرام‌الدین رضازاده، نماینده‌ی دیگر مردم غور در مجلس نمایندگان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز ضمن تأیید سقوط ولسوالی تولک به دست طالبان گفت که در نتیجه‌ی حمله‌ی طالبان در این ولسوالی، ۱۸ نیروی امنیتی

اطلاعات روز: نمایندگان مردم غور در مجلس نمایندگان تأیید می‌کنند که ولسوالی تولک این ولایت به‌دست جنگ‌جویان گروه طالبان افتاده است.

عطامحمد دهقان‌پور، نماینده‌ی مردم غور در مجلس نمایندگان به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان دیروز (شنبه، ۲۲ جوزا) ساختمان‌های ولسوالی و فرماندهی پولیس تولک را سقوط داده‌اند.

آقای دهقان‌پور اما تأکید کرد که نیروهای امنیتی تا ساعاتی قبل تنها کنترل پاسگاهی بر فراز یک کوه را در مرکز ولسوالی تولک در کنترل داشتند که «هنوز مشخص نیست این پاسگاه هم به‌دست طالبان سقوط کرده است یا

حملات تنظیم شده بر هزاره‌ها / شیعه‌ها؛ راهکارهای فوری و استراتژیک چیست؟

رحمت‌الله نبیل

تردید نیست که هیچ گروه قومی و تباری در افغانستان از حملات تروریستان در امان نمانده‌اند. از عالمان دین و جوانان تا زنان و کودکان در نهایت بی‌پناهی، هم‌روزه قربانی حملات بی‌رحمانه‌ی تروریستان می‌شوند. به عبارت دیگر در کل همه‌ی افغان‌ها قربانی خون‌آشامی تروریستان و بی‌کفایتی اولیای امور کشور هستند. اما در این میان، شهروندان هزاره‌تبار افغانستان به دلیل تعلق قومی و مذهبی‌شان به صورت برنامه‌ریزی شده کشته می‌شوند. پرسش اساسی این است که چرا در این مقطع زمانی، حملات تروریستی تنظیم شده برای کشتن کودکان، زنان، دانشجویان و در کل غیرنظامیان هزاره شدت یافته است؟ اهداف شوم و خطرناکی که پشت این توطئه‌ی بزرگ قرار دارد، چیست و ما چه راهکارهای فوری و استراتژیک/درازمدت برای دفع این توطئه می‌توانیم روی دست بگیریم. من کوشش کرده‌ام که در این مطلب به این سوال‌ها پاسخ بدهم.

اهداف حملات تنظیم شده بر هزاره‌ها / اهل تشیع

هزاره‌ها و اهل تشیع به مثابه شهروندان آگاه افغانستان، همواره نماد روشنایی، زیست مسالمت‌آمیز و تغییر نسلی در گذشته و حال ما بوده‌اند/هستند. هموطنان هزاره‌ی ما با آن‌که همیشه مورد بی‌مهری حکومت مرکزی بوده اما با وجود این به خصوص در چند سال اخیر با استفاده از درک درستی که داشته‌اند، تلاش کرده‌اند تا برای درد مشترک تمام مردم افغانستان، درک مشترک را به میان آورند.

به‌نظرم تروریستان با تشدید حملات هدفمند و منظم بر هموطنان هزاره‌ی ما، اهداف زیر را دنبال می‌کنند.

یکم: پیش از فاجعه‌ی زابل در خزان ۱۳۹۴، امنیت ملی افغانستان به اسناد مؤثقی دست یافت که از دستور آی‌اس‌آی برای راه‌اندازی جنگ‌های مذهبی و فرقه‌ای پرده برمی‌داشت. اگر ما حملات سیستماتیک و تروریستی بر جامعه‌ی هزاره در شش سال اخیر را بررسی کنیم، در واقع این حملات از فاجعه‌ی زابل کلید خورد که مسئولیت آن را داعش به عهده گرفت. پس از گروگان‌گیری و سربردن بی‌رحمانه‌ی گروگان‌های غیرنظامی هزاره‌تبار در زابل، توطئه‌ی حملات سیستماتیک بر هزاره‌ها شدت بیشتر گرفت. در این مورد سال‌ها قبل اسناد انکارناپذیری را افشا کردم که اینک یک بار دیگر در این مطلب ضمیمه می‌کنم. دوم: تردید نیست که هزاره‌ها پیشگامان و پرچم‌داران تغییرات اجتماعی، دانش‌ورزی، احترام به حقوق شهروندی و احترام به حقوق زنان هستند. از سوی دیگر، در نفرت و خصومت آشتی‌ناپذیر تروریستان و حامیان آن‌ها با پیشرفت و ترقی افغانستان نیز تردید وجود ندارد. تروریستان از پیشگام‌بودن هزاره‌ها در عرصه‌ی دانش‌ورزی، رشد و توسعه‌ی اجتماعی و تعهد به ارزش‌های مدرنی چون حقوق شهروندی و حقوق زنان، متنفر و خشمگین‌اند. تروریستان چگونه می‌تواند بپذیرد که به گونه‌ی مثال در بخشی از ولایت غزنی، فرزندان این بوم را از اساسی‌ترین و اسلامی‌ترین حلقه‌شان که حق آموزش و تحصیل علم است محروم می‌کنند و در بخش دیگری از همین ولایت مردم از آبله‌ی دست‌شان مکتب می‌سازند و معاش معلم می‌پردازند یا نسل نو شان جریان‌های فرهنگی و توسعه‌ی فرهنگی را به پیش می‌رانند. تروریستان و حامیان‌شان از پیشرفت کشور و نسل نو ما متنفرند و به دنبال این هستند که هزاره‌ها را نیز مانند بخش بزرگی از مردم افغانستان، از دانش‌ورزی، تغییرات اجتماعی، مدنیت و ارزش‌های مدرن و والای انسانی محروم کرده و کاروان دانش‌ورزی و مدنیت‌شان را



متوقف کنند.

سوم: یکی از اهداف استراتژیک نظامی طالبان و دیگر تروریستان، بازکردن کوتاه‌ترین معبر و دهلیز از جنوب به شمال است. طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی، مسیر زابل، بخش‌هایی از ولایات غزنی و غور و دایکندی را که هزاره‌نشین هستند، کوتاه‌ترین دهلیز اتصال جنوب به شمال تعریف کرده‌اند. در چند سال گذشته، شاهد بوده‌ایم که طالبان به صورت مکرر با حمله یا چشمداشت به حمله بر ساحات استراتژیکی مانند ولسوالی‌های قره‌باغ، جاغوری، مالستان و لعل و سرچنگل و ولسوالی پاتوی دایکندی در پی بازکردن این دهلیز بوده‌اند اما با تقبل شکست، موفق نشدند به این هدف استراتژیک‌شان برسند.

با شکست مکرر طالبان در تصرف ولسوالی‌های استراتژیک جاغوری، مالستان، قره‌باغ و لعل سرچنگل و پاتوی دایکندی آن‌ها گزینه‌ی بدیل و غیرمستقیم تضعیف عقبه‌ی اجتماعی و روانی ساکنان این اراضی را روی میز گذاشته‌اند. حملات هدفمند بر هزاره‌های کابلی می‌تواند در راستای تضعیف روحیه‌ی هزاره‌های ساکن در مسیر دهلیز زمینی مورد نظر طالبان در غزنی، غور و دایکندی باشد. حمله بر روند آموزش و رشد علمی فرزندان هزاره به‌عنوان استراتژیک‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه و هدف اجتماعی این گروه قومی، در راستای تضعیف روحیه‌ی عمومی این گروه قومی و دستیابی به هدف غایی یعنی فراهم کردن زمینه‌های بازکردن یک دهلیز زمینی میان جنوب و شمال از طریق مناطق هزاره‌نشین غزنی و غور صورت می‌گیرد. در این خصوص، بحث‌ها و رایزنی‌هایی نیز با سران سیاسی و متنفذان محلی قوم هزاره در گذشته و اکنون صورت گرفته است که نتیجه‌بخش نبوده است.

چهارم: نمی‌توان این رخ ماجرا را از نظر دور داشت که ممکن است برنامه و توطئه‌ی در مصداق همان مثل معروف «به تنگ آمد، به جنگ آمد»، برای کشاندن هزاره‌ها از مسیر دانش‌ورزی به جبهات جنگ روی میز باشد. به‌نظر می‌رسد یکی از پیام‌های اساسی تروریستان و عوامل حملات سیستماتیک بر هزاره‌ها، خطاب به این گروه قومی چنین باشد که از یک‌سو حکومت توان و اراده‌ی لازم برای حفاظت از شما را ندارد و رهبران سیاسی‌تان در معاملات فردی قدرت غرق هستند و از سوی دیگر، جوانان، کودکان، دانش‌آموزان و غیرنظامیان‌تان از آدرس‌های مجهول و پنهانی به‌نام طالب و داعش هم‌روزه سلاخی و کشته می‌شوند. بنابراین باید برای حفاظت از خود تفنگ بردارید و بر کسانی که مظنون به حملات تروریستی می‌دانید یا بر دولتی که از استیفای حقوق‌تان انکار می‌کند حملات نظامی و مسلحانه را سازمان دهید. بدیهی که اگر چنین اقداماتی صورت گیرد زمینه‌ی گسست‌ها و انفجارها

و بحران‌های اجتماعی به‌وجود خواهد آمد. به گمانم چنین هدفی نمی‌تواند از چشم تروریستان دور بماند. از این رو است که به این گمان هستم که مبادا یکی از اهداف حملات سیستماتیک بر هزاره‌ها منحرف و بسیج‌کردن باسوادترین قشر جامعه‌ی هزاره از بسترها و مسیرهای آموزش و تحصیل به میادین و جبهات جنگ تحت لوای جناح سوم و چهارم جنگ و خشونت جاری در کشور باشد. در این صورت از یک‌سو، جلو پیشرفت و ترقی جامعه‌ی هزاره مسدود شده و از سوی دیگر، بسیج، تقویت و فعال‌سازی جبهه‌ی تعلیمات‌دیده و جنگ‌دیده‌ی فاطمیون با تغییر نام اجرایی شود.

چهارم: شورای اخوت اسلامی علمای اهل تسنن و تشیع هرچه زودتر فعال و بسیج شود تا با طرح و اجرای پالیسی‌های مشخصی، به دفع این توطئه‌ها به‌صورت منسجم و سازمان‌یافته آغاز کند. رسانه‌های صوتی و تصویری و انجمن‌های دوستی و همکاری از جوانان اقوام سنی با قوم هزاره تشکیل گردد و برنامه‌های وحدت‌محورانه را ترویج و فرهنگ‌سازی کنند.

پنجم: با موفق‌شدن این پروژه، می‌توان آن را در تمام نواحی آسیب‌پذیر شهر کابل و دیگر شهرهای بزرگ تطبیق کرد. طالبان و دیگر تروریستان در حال تکمیل‌کردن حلقه‌ی محاصره بر تعدادی از شهرهای بزرگ هستند و می‌خواهند در شهرها، زندگی مردم افغانستان را دشوار و تیره و تار کنند. آن‌ها ساکنان روستاها و قصبات را اکثراً به اجبار یا تاکتیک‌های تبلیغاتی با خود هم‌نوا کرده‌اند.

راهکار استراتژیک: مشارکت عادلانه‌ی قدرت برای جلوگیری از تقسیم/سقوط جغرافیا

با وجود تلاش‌ها و توطئه‌های تروریستان از رقم‌خوردن فاجعه‌ی زابل تا کنون برای خلق یک جنگ فرقه‌ای و مذهبی، وطن‌دوستی و هشیاری هموطنان شیعه و هزاره‌ی ما مانع رقم‌خوردن این فاجعه‌ی خونین و خطرناک در افغانستان شد. هشیاری و وطن‌دوستی هموطنان شیعه و هزاره‌ی ما در حالی افغانستان را حداقل تا کنون از خطر بروز جنگ فرقه‌ای حفظ کرده که

اجرای‌شدن آن‌ها را روی دست بگیرد.

راهکارهای فوری

یکم: تشکیلات حوزه‌های امنیتی ۵، ۶، ۱۳، ۱۸ و ۳ پولیس و امنیت ملی در شهر کابل دست‌کم برای یک‌سال و به‌صورت مؤقت، با استفاده از ظرفیت قرارگاه‌ها و ادارات غیرفعال و غیراوپراتیوی و عملیاتی دوبرابر شود. تشکیل جدید و مؤقت پولیس و امنیت ملی در این حوزه‌ها، گروه‌های اوپراتیوی و عملیاتی سریع تشکیل بدهند.

دوم: استخدام پنج‌صد تا یک‌هزار جوان بانگیزه، متعهد و مطمئن از اهالی هر ناحیه با تضمین وکلای گذر، علمای مسجد، متنفذان قومی و محلی در چارچوب استراتژی امنیتی مشترک میان نهادهای امنیتی و ظرفیت‌های محلی هرچه سریع‌تر روی دست گرفته شود. این افراد بعد از دریافت تعلیمات و آموزش‌های امنیتی حداقلی چهارروزه، در عرصه‌های اوپراتیوی و گزارش‌دهی در هر حوزه‌ی امنیت ملی به تعداد ذکرشده صرفاً با سلاح کمری (در صورت لزوم دید و آسیب‌پذیری ساحات) و تلفن و مدد معاش توظیف شوند. این افراد در هماهنگی با مردم محل و گروه‌های عملیاتی به‌صورت یک شبکه‌ی منسجم وصل و در ارتباط منظم و تنگاتنگ باشند و با گزارش‌دهی از هر فرد و عمل مشکوک، از وقوع فاجعه جلوگیری شود.

سردمداران حکومت و اکثریت مطلق رهبران سیاسی ما غرق در چانه‌زنی‌های مزخرف قدرت بوده‌اند. دلیل مصروفیت سردمداران سیاسی ما به چانه‌زنی بر سر قدرت این است که کشورهای حامی این بزرگواران تا کنون بر تقسیم قدرت یا تقسیم مجازی و حقیقی جغرافیای افغانستان به نتیجه نرسیده‌اند. بدون تردید، رهبران سیاسی، سردمداران حکومت و سران طالبان آگاهانه و غیرآگاهانه، در دام توطئه‌ی کشورهای بیرونی برای کشیدن جغرافیای افغانستان به‌سوی بحران‌ها بزرگ افتاده‌اند.

برای جلوگیری از فاجعه‌ی جنگ‌های داخلی (قومی و مذهبی) و در نهایت تجزیه و تقسیم جغرافیای افغانستان باید همه‌ی جوانب و جناح‌های سیاسی کشور به مشارکت عادلانه‌ی منابع قدرت از ارگ و دفتر و منبر تا تقسیم هزینه‌ی مقاومت و قربانی مقاومت در سنگر تن در دهند و به مسیر خونین، فاجعه‌بار و سنگین جنگ‌های تمام‌عیار داخلی و تقسیم جغرافیا نروند. در صورتی که مسأله، مطالبه و نزاع تاریخی برای مشارکت عادلانه در منابع قدرت و تصمیم‌گیری میان جناح‌ها و جوانب کشور به‌صورت پایدار حل و فصل نشود، شعله‌ورشدن جنگ‌های داخلی و مذهبی و تلاش برای تقسیم جغرافیا و تجزیه‌ی افغانستان که همیشه دشمنان بیرونی افغانستان برای آن تلاش کرده‌اند، اجتناب‌ناپذیر خواهد شد.

هموطنان عزیزم نیک می‌دانند که من از همان آوانی که استفاده‌ی مرا ارائه کردم، تا همین لحظه، هیچ‌گاه به سیاست غیرمشروع و مخرب قومی و تباری پناه نبرده و همیشه بدون ترس و هراس، حقایق، مخاطرات، توطئه‌ها و راه‌حل‌ها را به هموطنان عزیز و رنج‌کشیده‌ام در میان گذاشته‌ام. علاوه بر این که با تعهد به کشور و مردم، آن‌ها را از مخاطرات و توطئه‌ها آگاه کرده‌ام، عملاً از راه‌های قانونی و معقول با جمعی از یاران و همکارانم وارد میدان شده‌ام. اما صدا و روایت ملی ما در میان صداها و روایت‌های کزیه پوپولیستی، قومی و اقتصادی و روایت بمب و انتحار، شنونده‌های زیادی نیافت. متأسفانه عطش کسب قدرت از طریق مجاری و شیوه‌های ناجایز، گوش‌های شنوا را نیز کر کرد.

برای من که هویتی جز یک شهروند وطن‌دوست و سرباز فداکار وطن برای خودم به رسمیت نمی‌شناسم، بسیار دشوار و تلخ است که درباره‌ی احتمالات و خطرات تقسیم‌شدن جسم مادر مشترک‌مان، افغانستان، حرفی به زبان آورم، اما متأسفانه واقعیت همین است. فرار از واقعیت، هرچقدر تلخ و دشوار هم که باشد، انتخاب اشتباهی است. برای دفع توطئه‌ها و تهدیدات، باید تلخی مواجه‌شدن با واقعیت را چشید و برای جلوگیری از تهدید و فاجعه‌ی چاره یافت. اکنون یک بار دیگر جسارت کرده و اعلام می‌کنم که عمق فاجعه و توطئه برای افغانستان به مراتب بزرگ‌تر و خطرناک‌تر است.

نگذاریم هیچ جناحی، هیچ کشوری، هیچ قوم و تباری، هیچ دین و مذهبی، نه طالبی، نه رهبری و نه هیچ سردمدار حکومتی، ما را آگاهانه یا ناآگاهانه به‌خاطر منافع دیگران و در راستای تأمین منافع دیگران به‌سوی جنگ‌های خونین نیابتی بکشاند. باید هشیار و مراقب باشیم که توطئه‌های بزرگی برای ویرانی سرزمین‌مان ریخته شده است. اگر مراقب و هشیار نباشیم، کابوس‌های وحشتناکی هر بخش و هر گروه قومی افغانستان را تهدید خواهد کرد.

افغانستان بیش از دو گزینه در برابرش ندارد: تأمین مشارکت عادلانه و پایدار در قدرت و تصمیم‌گیری و یا هم رفتن به‌سوی جنگ‌های خونین داخلی و مذهبی که خدای ناخواسته تجزیه‌ی وطن و تقسیم خونین جغرافیا را از رویای دشمنان افغانستان به حقیقت نزدیک خواهد کرد! انتخاب ما چیست؟

شورای اخوت اسلامی علمای اهل تسنن و تشیع هرچه زودتر فعال و بسیج شود تا با طرح و اجرای پالیسی‌های مشخصی، به دفع این توطئه‌ها به‌صورت منسجم و سازمان‌یافته آغاز کند. رسانه‌های صوتی و تصویری و انجمن‌های دوستی و همکاری از جوانان اقوام سنی با قوم هزاره تشکیل گردد و برنامه‌های وحدت‌محورانه را ترویج و فرهنگ‌سازی کنند.

افغانستان در تنگنای جنگ و صلح



امور داخلی افغانستان از طریق طرفداران محلی خود دخالت کنند. اما لازم به ذکر است که تلاش‌های پی‌درپی برای ایجاد یک کشور متمرکز قوی، نیز نتوانسته است که نفوذ صاحبان قدرت منطقه‌ای و محلی را در ولایات کشور مهار کند.

عنصر سوم آجندای صلح پایدار این است که افغانستان به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای غیر متعهد ظاهر شود. این کشور دارای بیش از ۲۰۰۰ سال تجربه دست‌وپنجه نرم کردن با قدرت‌های رقیب در کنج خانه‌ی خود است. درس مهمی حصول شده این است که هرچند افغانستان باید یک شریک باز و در تعامل با همه همسایگانش باشد، اما نمی‌تواند با یک طرف علیه طرف دیگر متحد شود، زیرا اتحادهای این چنینی باعث ایجاد بدگمانی در میان قدرت‌های رقیب می‌شود. همسایگان افغانستان باید، به گونه‌ی مثال، از طریق امضای یک تفاهم‌نامه منطقه‌ای همکاری و عدم مداخله در افغانستان، این سیاست عدم تعهد کشور را بپذیرند.

این نظر نباید به‌عنوان یک دعوت ساده‌لوحانه به انزوای طلبی تلقی شود. زیرا در این دیدگاه، تفاهمی که ذکر شد، امکان تجارت، سرمایه‌گذاری، ترانزیت و سایر مبادلات را فراهم خواهد کرد که موجب پیشرفت صلح و شکوفایی اقتصادی منطقه می‌شود.

چهارم، نخبگان سیاسی در کابل باید بر اختلافات خود غلبه کنند. حکومت فعلی از عدم فراگیری سیاسی، اجماع سیاسی، جدی رنج می‌برد و تمایلی برای اتحاد با گروه‌های سیاسی متفاوت کشور نشان نداده است.

رهبرانی وجود دارند، که قادرند مخالفان را در آغوش بگیرند. آن‌ها را می‌توان در شورای عالی صلح افغانستان، در هر دو مجلس

در فرصت‌های اقتصادی خلق کرده است، جوانان افغانستان، به‌ویژه، خوب می‌دانند که در مناطق حاشیه‌ای و پیرامونی کشور، چشم‌انداز اقتصادی محدود است. در نتیجه جمعیت کابل طی ۲۰ سال حضور ارتش امریکا در کشور ۵ برابر شده است.

همچنین، تمرکز قدرت در دستان یک مقام واحد، یعنی رییس‌جمهور، نتیجه معکوس داشته است. قضیه اخیر برکناری یک‌جانبه والی یک ولایت توسط رییس‌جمهور اشرف غنی و سپس تعیین جانشین وی، یک مورد قابل‌توجه بود. داوود لغمانی، متحد رییس‌جمهور است، اما با ولایت موردنظر آشنا نبود، مردم ولایت موردنظر چنان جدی علیه انتصاب داوود لغمانی اعتراض کردند که آقای غنی وی را به ولایت غزنی منتقل کرد. متأسفانه نمونه‌های زیادی از این دست در تاریخ افغانستان وجود دارد که نشان می‌دهد تصمیم بوالهوسانه از جانب کابل منجر به شورش‌های خشونت‌بار در مناطق روستایی شده است.

دهه‌ها تلاش ناموفق برای نهادینه ساختن حکومت (بیش‌ازحد) متمرکز، نشان می‌دهد که زمان آن فرا رسیده است تا تمرکززدایی مبتنی بر قانون اساسی واحد به‌طور جدی مدنظر گرفته شود. ولایاتی که تنوع افغانستان به واقعیت در آن‌ها به نمایش درآمده است، همچنان که باید بخشی از ساختار قانون اساسی حکومت واحد باقی بمانند، به فضا و ظرفیت برای نوآوری و مدیریت امور مربوطه خود نیاز دارند.

برخی شاید اعتراض کنند که تمرکززدایی حکومت را تضعیف می‌کند، نیروهای سیاسی مستقر در ولایات را تقویت می‌کند و در همان حال همسایگان را قادر می‌سازد در

خودش را دارد.

طی دهه‌های گذشته، این تصور رایج شده که باور کنیم فقط یک دولت متمرکز می‌تواند این کثرت‌گرایی را تمثیل کند. انگیزه برای متمرکز کردن بیش‌ازحد قدرت دولت، کابل را به تلاش برای اجرای سیاست‌هایی در سطح کشوری سوق می‌دهد که ممکن است در یک منطقه کارساز باشد اما در منطقه دیگر به‌شدت شکست بخورد. به گونه‌ی مثال حکومت مرکزی در ماه جون سال ۲۰۲۰ تصمیم گرفت که هر ولایت افغانستان یک معاون والی زن داشته باشد، سیاستی که از سوی جامعه مدنی مورد استقبال قرار گرفت، اما در طرح آن تهدیدهای امنیتی و محیط کار نامناسب برای زن‌ها، در برخی ولایات، نادیده گرفته شده بود. به همین ترتیب حکومت اخیراً شرایط معینی را برای تعیین ولسوال‌ها وضع کرده که به نفع فارغ‌التحصیلان جوان که دارای ارتباطاتی با پایتخت باشند، واقع می‌شود، اما رهبران مردمی را که دارای تجربه هستند و با

بافت‌های محلی، قبیله‌ای و فرهنگی آشنایی دارند، در تنگنا قرار می‌دهد. سیاست‌های «کابل-محور» اغلب در پرداختن به این واقعیت‌های عینی ناکام می‌ماند. پایتخت افغانستان اغلب اوقات در سیاست اساسی کشور نقش مرگ و زندگی را ایفا می‌کند. برای سیاستمداران وابسته به مناطق مختلف، تأمین امنیت مناطق‌شان اغلب مستلزم اعمال کنترل در کابل است. در افغانستان، همسوی بودن شما با نیروی سیاسی مسلط — دارای قدرت یا درحال پیروزی — می‌تواند به معنای قطع دسترسی شما به منابع دولتی باشد. همچنین، تمرکز قدرت و منابع در کابل نوعی عدم موازنه را

باران بمب‌ها و راکت‌ها بر کابل، در زیرخانه‌ها، پناه گرفته‌ام. پیش چشمانم، خانه‌ی ما توسط جناح‌های رقیب مجاهدین غارت شد. حتا، بارها به‌خاطر طرز موهایم که از موی لئو دی‌کاپریو در فیلم تایتانیک الهام گرفته بودم، با افراد طالبان به مشکل برخورددم. پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ من با سازمان ملل متحد کار می‌کردم. سپس در سال ۲۰۰۶ در حکومت افغانستان گماشته شدم و سرانجام تا سال ۲۰۱۴ و تا معینیت سیاسی وزارت امورخارجه خدمت کردم. از آن‌زمان به بعد من در چندین گفت‌وگوی بین‌الافغانی از جمله مذاکره با طالبان، شرکت داشتم.

تجارب کاری من سبب شد تا درباره‌ی چگونگی دستیابی به صلح و امنیت پایدار در افغانستان، نتیجه‌گیری‌ها و نظریاتی داشته باشم. به‌نظر من، با از سرگیری گفت‌وگوهای بین‌الافغانی، مردم افغانستان و همکاران بین‌المللی‌شان، باید شاخصه‌های چون ثبات مالی، توزیع قدرت سیاسی و اجرایی، عدم متعهد بودن کشور در منطقه (nonalignment) و ایجاد حکومت فراگیر را در نظر بگیرند. برای دستیابی به یک نتیجه در این راستا، ایالات متحده و متحدانش، پاکستان و سایر بازیگران منطقه‌ای، و از همه مهم‌تر خود افغان‌ها، باید نقش اساسی را ایفا کنند. نکته‌ی مهم این است که ایالات متحده امریکا، این باریکی را درک کند تا این دور گفت‌وگوها، بهترین فرصت و امکان را برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان و در سازگاری با شرایط افغانستان، فراهم آورد.

اولین ملاحظه باید قراردادن افغانستان بر روی یک مدار مناسب و سیستم مدیریت مالی باشد. کشوری که قادر به کسب درآمد داخلی کافی برای تأمین مصارف ادارات دولتی و نیروهای امنیتی خود نباشد، نمی‌تواند استقلال و حاکمیت واقعی داشته باشد. مصونیت مالی درازمدت در افغانستان، باید به اندازه‌ی انتخابات و اصلاحات قانون اساسی مهم تلقی شود.

روشن است که مساعدت بین‌المللی بخشی از تصویر آینده قابل‌پیش‌بینی افغانستان باقی خواهد ماند. با آن‌هم، رهبران افغان به‌عنوان بخشی از یک راه حل نهایی، باید به توافق‌هایی درباره‌ی راه‌های ایجاد درآمد پایدار در کشور دست یابند. از جمله‌ی این راه‌ها، یکی ایجاد فضای آزاد برای تمام افغان‌ها، اعم از زن و مرد است تا بتوانند کار کنند، وارد تجارت شوند و در توسعه اقتصاد کشور سهم بگیرند.

دوم، هر راه حلی باید این واقعیت را بازتاب دهد که افغانستان یک جامعه کثرت‌گرا است. این کثرت‌گرایی در جغرافیای این کشور که هم کوه‌های پوشیده از برف و هم دشت‌های وسیع را به میان می‌آورد، آشکار است. این کثرت‌گرایی در مناطق سرشار از منابع این کشور، که در کنار مناطق فقیرتر واقع شده است، خودش را بروز می‌دهد و در مناطق پرجمعیت شهری و مناطق روستایی کم‌جمعیت عیان است. همچنین افغانستان دارای تنوع قومی-فرهنگی است و البته هر ولایت آرزوها، اهداف و اولویت‌های توسعه‌ای

ارشاد احمدی، پولیتیکو

مترجم جلیل پژواک

آقای رییس‌جمهور جو بایدن در ماه اپریل اعلام کرد که ایالات متحده امریکا، تا ماه سپتامبر امسال، همه نیروهایش را از افغانستان خارج می‌کند. این تصمیم بحثی را در میان امریکایی‌ها برانگیخت، کسانی که می‌خواهند همچنان به افغانستان متعهد بمانند و آن‌هایی که معتقدند زمان به رسمیت شناختن محدوده نفوذ ایالات متحده در افغانستان فرا رسیده است. اما در خود افغانستان، بزرگ‌ترین نگرانی این است که چه کسی خلای امنیتی به میان‌آمده بعد از خروج نیروهای امریکایی را پر خواهد کرد؟ آیا گروه طالبان، با آن دیدگاه جزمی‌شان که اکثر افغان‌ها خواستار آن نیستند، لگام امور را به دست خواهند گرفت؟ و یا آن صاحبان قدرت منطقه‌ای که برای اعمال نفوذ سروکله می‌زنند، این خلأ را پر خواهند کرد؟ یا افغانستان سرانجام به حاکمیت واقعی بر قلمرو خود دست خواهد یافت؟

اگر گزینه‌ی فرجامین، مطلوب همه باشد، پس باید همه بازیگران اصلی افغانستان، به‌شمول طالبان، به یک راه حل و فصل مسالمت‌آمیز تعهد کنند.

طی ۹ ماه گذشته جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان به‌صورت غیرپیوسته برای توافق بر سر حل سیاسی معضله‌ی جنگ افغانستان که منجر به آتش‌بس دائمی و فراگیر شده و در آن نوعیت اساسی نظام آینده‌ی افغانستان تعیین شود، گفت‌وگو کردند. طالبان با درنظرداشت توافق پیش‌تر خود با اداره‌ی ترمپ، که در آن امریکایی‌ها پذیرفته بودند، نیروهای‌شان را تا اول ماه می ۲۰۲۱ از افغانستان خارج کنند، موافقت کردند که در این گفت‌وگوها با حکومت افغانستان شرکت کنند. اما پس از آن‌که آقای بایدن، خروج نیرو های نظامی امریکا را تا چهار ماه به عقب انداخت، طالبان از شرکت در نشست که انتظار می‌رفت در ماه اپریل، در شهر استانبول و به میزبانی کشور ترکیه، سازمان ملل متحد و کشور قطر برگزار شود، خودداری کردند. این نشست به تأخیر افتاد، اما انتظار می‌رود که مذاکرات طی چند ماه آینده از سر گرفته شود. در همین حال تصمیم آقای بایدن مبنی بر خروج کامل نیروهای نظامی تا ۱۱ سپتامبر، بر هر دو طرف فشار می‌آورد تا مواضع منسجم‌تر اتخاذ کنند و روشن سازند که انتخاب‌شان برای آینده‌ی کشورشان چی خواهد بود؟

نگرانی مردم افغانستان، بعد از این در مورد امتداد دخالت نظامی ایالات متحده امریکا در کشورشان، نیست. بلکه، پرسش اساسی این است که افغان‌ها چه تدبیری را باید به کمک هم‌تایان بین‌المللی خود طرح‌ریزی کنند، تا اطمینان حاصل شود که این کشور برای ثبات کلی و پیشرفت اقتصادی منطقه مفید بوده و با خود و همسایگانش در صلح باشد.

من در زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی در کابل متولد شدم، تا اکنون نتوانسته‌ام از یک مدتی از زمان، که در آن جنگ نباشد، لذت ببرم. من با هراس از

کابل؛ شهر آشوب



بهر روز کیوان

زندگی مردم رخت بر بسته و شهروندان کابل در محل زندگی‌شان شاهد گسترش روزافزون جنایت و خشونت‌اند. تاکنون بارها کاربران

شبکه‌های اجتماعی بابت نگرانی‌های‌شان در خصوص امنیت شهر کابل کارزارهای گسترده‌ای را در فضای مجازی راه‌اندازی کرده و اعتراض‌های خرد و بزرگ فراوانی را برپا کرده‌اند. اما پیوسته اوضاع امنیتی در شهر کابل در چند سال اخیر رو به بدتر شدن است. در همین روزها، یکی از آن رویدادهای نگران‌کننده و ناگوار مرگ جوان برومندی به نام عبدالاحد رضایی بود. رضایی تازه دانشکده انجینیری را در دانشگاه سن پیتزبورگ کشور روسیه به پایان رسانیده و به کابل برگشته بود. او را بابت یک تنش لفظی، چند اوباش در روی سرک به گلوله بستند. بستگانش یکی‌دو روز پیش جسد او را با آرمان‌هایش به گورستان سپردند. این حادثه که در مربوطات لیسه مریم از منطقه خیرخانه اتفاق افتاده بود، روان بسیاری از باشندگان محل و خویشاوندان عبدالاحد را رنجور کرد.

عوامل متعددی چون بنیادگرایی، فساد در نهادهای امنیتی، قوم‌گرایی و محل‌گرایی، بیکاری و بی‌برنامگی، پایین‌بودن سطح آگاهی

... همه دست به دست هم داده‌اند تا ناامنی در کابل گسترده و شایع شود. براساس برخی تحقیقات جهانی کابل از جمع ناامن‌ترین شهرهای جهان به‌حساب می‌رود.

عوامل ناامنی کابل

انتحار، انفجار و گروگان‌گیری های مسلحانه توسط گروه‌های افراطی چون طالب و داعش را می‌توان عمده‌ترین عامل ناامنی کابل قلمداد کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که با گذشت هر سال شمار قربانیان رویدادهای انتحاری و انفجاری رو به افزایش است. انگیزه اصلی عاملان چنین رویدادهایی بنیادگرایی و رادیکالیسم مذهبی است. انتحاری به این امید که جنت از مسیر کابل می‌گذرد دست به قتل و کشتار مردم می‌زنند.

پرداخت رشوه برای قضای جرمی و جنائی در حال حاضر به امری مرسوم در میان برخی از مقامات امنیتی تبدیل شده است. به همین سبب بسیاری از مجرمین با اطمینان خاطر از مصونیت‌شان پس از هر رویداد جنایی، عامل

تکرار جرم‌های بعدی می‌شوند. انگیزه‌های قومی، تباری و محلی عامل دیگریست که سبب ایجاد منازعه و تنش می‌شوند. از لحاظ قومی کابل شهریست آمیخته از اقوام گوناگونی چون تاجیک، هزاره، ازبیک، پشتون و غیره. بنابراین گروه‌های قومی، تباری و محلی وقتی می‌خواهند با حفظ رسوم و عنعنات ویژه خویش در برابر فرهنگ شهرنشینی ادامه بدهند سطح اصطکاک و تنش به جای پذیرش و همدیگرپذیری بیشتر شده و در برخی موارد منجر به رویدادهای ناگواری مثل قتل، دزدی و اختطاف می‌شوند. بسیاری از کوچه‌های کابل پر از گروه‌گروه جوانانی است که مسئولیتی رسمی یا غیر رسمی خاصی برای انجام دادن ندارند. شماری از افراد این گروه‌های به مواد مخدر آغشته می‌شوند؛ شماری دیگری با گروه‌های مخالف درگیر می‌شوند. در نتیجه این‌گونه مخالفت‌ها از هر گروه کسانی قربانی خواهند شد.

افتخار به زدن، کشتن، دزدی، چاقوکشی، اختطاف نشان‌دهنده‌ی ناآگاهی و انحراف

انباشت خشونت؛ ظهور آنارشیسم و تهدید صلح اجتماعی

حسین علی کریمی

از نظر یوهان گالتونگ که به پدر علم مطالعات صلح شهرت یافته، خشونت «بی‌احترامی به نیازهای اصلی انسان و هر آن چیز قابل اجتنابی است که مانع از خودشکوفایی انسان شود». بنابر تعریف گالتونگ، خشونت تنها استفاده از ابزارهایی نظیر ترور و زور برای خلق خشونت نیست. بر این اساس، جامعه‌شناسان صلح، سه نوع خشونت را معرفی می‌کنند: یک خشونت فردی که فرد به صورت مستقیم مرتکب آن می‌شود. دو خشونت ساختاری که عموماً توسط دولت‌ها، نهادها و جوامع اجتماعی به وجود می‌آید. این نوع از خشونت سبب نابرابری اجتماعی شده و موجب می‌شود که افراد نتوانند از فرصت‌ها و منابع جامعه به‌درستی استفاده کنند. همچنین این سطح از خشونت موجب طرد بخشی از افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود که امکان‌های دیده‌شدن از آنان سلب می‌شود. در نهایت شکل سوم از خشونت وجود دارد که از آن به خشونت فرهنگی یاد می‌شود. این سطح از خشونت موجب مشروعیت‌دهی به دو نوع قبلی می‌گردد. ابزارهای مورد استفاده در این نوع خشونت ساخت زبان، ایدئولوژی و مذهب است.

تداوم و تکرار خشونت و بی‌توجهی به آن در جامعه ما موجب شده است که اکنون ما هر سه نوع از این خشونت‌ها را تجربه کنیم. در سطح فردی این نوع خشونت را می‌توان در افزایش جرایمی که در شهرها اتفاق می‌افتند به‌صورت قابل توجهی مشاهده کرد. توزیع نابرابر ثروت و قدرت در جامعه و حذف بخش‌های قابل توجهی از گروه‌های اجتماعی توسط ابزارهای قانونی و فراقانونی در ساختار دولت، فرایندی همه‌روزه از این نوع خشونت است که دیدن آن به امری روزمره برای ما تبدیل شده است. برخی گروه‌های اجتماعی به دلایل مذهب، نژاد و قوم عمداً از قدرت و ثروت و امکان دسترسی به منابع حذف می‌شوند. در نهایت قرائت ایدئولوژیکی که در روایت انحصارگرایانه سیاسی و اجتماعی طالبان که به‌عنوان بخش مهمی از منبع تولید خشونت به چشم می‌خورد نیز نوعی آشکار از خشونت فرهنگی است. البته که گروه ایدئولوژیک طالبان برای استفاده از هر نوع خشونت پیدا و پنهان، ابایی ندارد. برای آن‌ها رسیدن به هدف، استفاده از ابزار را توجیه می‌کند.

مهم‌ترین پرسش در ارتباط با خشونت در جامعه ما شاید این باشد که با این انباشت از خشونت و کاهش آن چه باید کرد؟ کابل که روزگاری نه‌چندان دور به‌خاطر آب‌وهوایش، کوه‌های خراباتش و مردمان شاد و مهمان‌نوازش معروف بود، اکنون بوی تعفن، خشونت و مرگ از آن به مشام می‌رسد. گستره‌ی این خشونت نیز هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. تپه‌های اطراف این شهر که در گذشته مردم برای تفریح و گودی‌پران‌بازی به آنجا می‌رفتند، اکنون تبدیل به قبرستان‌های دست‌جمعی جوانان، کودکان و مردمان غریبی شده است که به‌صورت کور مورد هدف گروه‌های تروریستی و خشونت‌گرا قرار گرفته‌اند. به‌نظر می‌رسد خشونت گفتمان غالب جامعه ما برای تسلط، چیرگی و رسیدن به اهداف این گروه‌های خشونت‌گرا و تروریستی شده است. امری که تکرار آن خطر نهادینه‌شدن خشونت در جامعه را در پی دارد.

آنچه ذهن مرا به‌عنوان نویسنده این مقاله مشغول کرده و تلاش می‌کنم در این گفتار به آن بپردازم این است که با این سطح وسیع خشونت‌ها که ما هر روز در این کشور شاهد آن هستیم، از بمب‌گذاری در شاهراه‌ها بگیر تا ترور، نسل‌کشی، حمله به ولسوالی‌ها و روستاها، حمله به مردم عادی که خسته از کار روزانه‌شان به خانه بازمی‌گردند و یا حملات تروریستی به مکاتب و کشتار دانش‌آموزان و انفجار پایه‌های برق چگونه می‌توان وضعیت صلح‌آمیز را خلق کرد؟ و این که تکرار روزافزون خشونت‌ها صلح اجتماعی را با چه وضعیتی روبه‌رو خواهد کرد؟

صلح اجتماعی، ابزارها و وضعیتی برای مراقبت از زندگی گروهی است. وضعیتی که در آن تضاد میان گروه‌های اجتماعی به حداقل می‌رسد و در صورت تضاد منافع و یا منازعه جامعه به میزانی از آگاهی و خرد رسیده که بتواند با مکانیزم‌ها و قراردادهای اجتماعی وضع‌شده آن را مدیریت کند. پرداختن به صلح اجتماعی یکی از اهداف مهم سیاست‌ها و قراردادهای اجتماعی هر جامعه‌ی

میزبانی‌اش از پناهندگان افغان به‌دلیل جنگ شوری بودند، اکنون پاکستان را یگانه کشوری می‌دانند که می‌خواهد افغانستان را مطیع و توسعه‌نیافته نگه دارد.

با آن‌هم افغان‌ها امیدوارند که پاکستان متوجه شود که منافعش با تقویت طالبان تأمین نمی‌شود. پاکستان در برابر مشکل افراط‌گرایی خودش (به‌خاطر طالبان پاکستان) پیشرفت‌هایی داشته است. احیای امارت اسلامی ستیزه‌جو در افغانستان مطمئناً از طریق تشجیع ستیزه‌جویان مذهبی پاکستان، پیشرفت‌های اسلام‌آباد را تهدید خواهد کرد. سایر همسایگان افغانستان، از جمله ایران، روسیه، چین، هند، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان، همه از ترس بروز هرج و مرج و بحران مهاجرت، مخالف احیای امارت طالبان هستند.

سرانجام، مسئولیت نهایی بردوش خود افغان‌ها است. حتا از قضا امکان دارد به تأخیرافتادن‌های نشست ترکیه به خواهش طالبان، به نفع جمهوری اسلامی افغانستان واقع شود و به نیروهای جمهوریست فرصت دهد تا پیرامون یک استراتژی منسجم برای رویارویی با طالبان متحد شوند.

برای افغان‌ها، روز حساب فرا رسیده است. اکنون بیشتر آن‌ها مایلند تا طالبان نقشی در اداره‌ی این ملت داشته باشند، اما نمی‌خواهند در قالب یک امارت اسلامی بعدی در آیند، در واقع به گذشته بازگردند. چگونگی واکنش کابل و این‌که آیا کابل قادر به ایجاد وحدت واقعی است یا خیر، تعیین خواهد کرد که آیا طالبان تصمیم به مذاکرات جدی می‌گیرند یا تصمیم خواهند گرفت از مذاکرات جدی طفره روند تا حکومت افغانستان به تدریج نابودی خودش را رقم زند.

طالبان به سهم خویش، باید تصمیم بگیرند که آیا رویای این گروه برای تحمیل دوباره ایدئولوژی‌اش بر مردمی که عمدتاً آن‌را رد می‌کنند، ارزش خشونت و درگیری بیشتر را دارد یا خیر؛ به ویژه با توجه به این‌که هدف اصلی این گروه که خروج نیروهای خارجی از کشور بود سرانجام به دست آمده است. یک حکومت انتقالی دربرگیرنده‌ی طالبان و حفظ نهادهای فعلی به‌شمول چارچوب موجود حقوق شهروندی، واقع‌بینانه‌ترین راه‌حل است. و به همه افغان‌ها فرصت، زمان و فضا خواهد داد تا درباره‌ی چشم‌اندازی بلندمدت برای آینده‌ی مشترک مذاکره کنند.

دوستان و حامیان بین‌المللی افغانستان می‌توانند در ماه‌های مهم پیش‌رو کمک اساسی کنند. اما مسئولیت نهایی بر دوش ما افغان‌ها قرار دارد، زیرا تنها ما خواهیم بود که از عواقب انتخاب‌های نامناسب رنج خواهیم برد. استقلال مطلق با خود مسئولیت مطلق و پاسخگویی می‌آورد، اکنون زمان آن است که رهبران ملی واقعی، به جلو گام بردارند و زمام امور را به‌دست بگیرند.

ارشاد احمدی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ معین سیاسی وزارت امورخارجه افغانستان بود و رییس شرکت تحلیل استراتژیک *Kabul Compass* است.

تحلیل

نخستین مرحله برای کاهش میزان جرایم جنایی در کابل طرح‌ریزی یک برنامه منظم امنیتی است که در ارائه آن نظر متخصصین و کارهای امنیتی باید شریک بوده و رعایت شود. مرحله دوم ایجاد اصلاحات گسترده و گماشتن نیروی آموزش‌دیده و جوان به جای مهره‌های فاسد در ساختار نهادهای امنیتی است. مرحله سوم اجرای طرح و برنامه توسط نیروی مجرب و کارفهم و نظارت عملکرد منصوبین پولیس در حوزه‌های مربوطه توسط گروه رهبری و تصمیم‌گیر است.

در نتیجه می‌توان گفت که اوضاع امنیتی در کابل در اثر رویداد ناگواری چون دزدی، انتحار، اختطاف و قتل نگران‌کننده است. نهادهای امنیتی و حوزه‌های پولیس در کابل وظایف‌شان را به درستی انجام نمی‌دهند. طرح و برنامه‌ی درست برای مهار وضعیت وجود ندارد. بنابراین برای رفع چنین نقیصه‌ی نیاز است یک برنامه سه مرحله‌ای ارائه طرح، اصلاح ساختارها و نظارت بر عملکرد نهادهای پولیس کابل راه‌اندازی و تطبیق شود.

کشور، در میان رهبران سیاسی ارشد، درون جامعه مدنی و در میان نسل جدید رهبران جوان در سراسر کشور پیدا کرد. اما سبک حکومت آقای غنی که به‌نظر می‌رسد بیشتر بر انتصاب افراد وفادار متمرکز است تا تقسیم واقعی قدرت با مخالفان، نقش یک مانع فراروی وحدت سیاسی را ایفا کرده است. شاید لازم باشد وحدت سیاسی در کابل، به‌رغم رهبری ریاست‌جمهوری حاصل شود، نه به‌خاطر آن.

خوشبختانه این واقعیت که نیروهای امریکایی به‌زودی کشور را ترک خواهند کرد، در کابل تمرکز را بر لزوم شکل‌گیری یک دیدگاه منسجم‌تر و واحد بیشتر کرده است. پس از دهه‌ها شقاق، افغان‌ها باید اجتماعی را براساس ارزش‌های اساسی‌شان، از جمله عشق به آزادی، استقلال و عدالت، فرهنگ مهمان‌نواز و برابری‌طلبانه، و آرمان مشترک سهیم‌بودن در یک افغانستان متحد که در میان گروه‌های منطقه‌ای، قومی، مذهبی و سیاسی مشترک است، ایجاد کنند.

چگونه به چنین حل‌وفصلی می‌توان دست یافت؟

واضح است که ایالات متحده امریکا مجبور است تا در فرآیند سیاسی این کشور، دخیل باقی بماند. بسیاری از افغان‌ها می‌ترسند که حکومت بایدن کشور را رها می‌کند. همچنین، افغان‌های سالخورده زمانی را به یاد می‌آورند که ایالات متحده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ناگهان افغانستان را رها کرد. از این‌رو آقای بایدن باید واضح کند که حکومتش پشتیبان توافق سیاسی در افغانستان باقی می‌ماند و افغانستان را ترک نمی‌کند.

پس از خروج نیروهای امریکایی از کشور، ایالات متحده امریکا باید از قدرت دیپلماتیک قابل توجه خود برای اطمینان از این‌که طرف‌ها به مذاکره ادامه دهند و بازیگران منطقه‌ای نقش سازنده ایفا کنند، استفاده کند. ایالات متحده باید، از جمله تلاش کند قدرت‌های منطقه‌ای مثل پاکستان را، که بر طالبان نفوذ دارند، وادار سازد تا نقش خود را برای اطمینان از این امر ایفا کند که افغانستان دوباره تحت سلطه رژیم‌ی قرار نگیرد که در برابر شبکه‌های تروریستی آغوش باز داشته و شهروندان افغان را از حقوق اساسی‌شان محروم می‌کند.

شایان توجه است که امریکا در این زمینه با چین، روسیه و ایران زمینه مشترک پیدا می‌کند؛ هیچ‌یک از آن کشورها خواستار ظهور مجدد امارت طالبان در افغانستان نیستند. این قدرت‌ها باید بر اختلافات‌شان غلبه کنند و منابع دیپلماتیک و سایر ابزارهای خود را در کنار یکدیگر برای اطمینان از حل‌وفصل مسالمت‌آمیز جنگ در افغانستان به کار ببندند. پاکستان به نوبه خود باید تلاش‌هایش را برای اطمینان از این‌که طالبان در مذاکرات و روند صلح با حسن نیت اشتراک کنند، شدت بخشد. نقش تاریخی و دیرینه‌ی اسلام‌آباد در حمایت از شورش طالبان و ارائه پناهگاه برای شورشیان این گروه، از مهم‌ترین دلایلی است که ائتلاف ناتو به‌رغم سال‌ها تلاش در برقراری ثبات در افغانستان و آوردن طالبان به میز مذاکره تا کام ماند.

افغان‌ها که زمانی قدردان همسایه خود به‌خاطر

فرهنگی است. ادبیات غالب میان گروه‌های اوباش پر است از واژه‌های چون کاکه، با غیرت، ترسو، بزدل، زدن، کشتن، فرار، جنگ، چاقو، تفنگچه و غیره هر کدام از این واژه‌ها می‌توانند تحریک‌کننده و انگیزه‌دهنده برای هر یک از اعضای گروه‌های متذکره و دیگر جوانان و نو جوانان باشد.

نخستین و اصلی‌ترین مسئول امنیت شهر کابل قومندانی امنیه ولایت کابل و در پی آن تمام حوزه‌های پولیس شهر کابل است. علاوه بر این، «جلسات شش‌ونیم» نیز بر محور موضوعات امنیتی می‌چرخد. مأمورین حوزه‌های پولیس شهر کابل در بسا موارد همدست مجرمین و متخلفین بوده و به آن‌ها کمک و یاری می‌رسانند. نظارت و بررسی جدی از سوی فرماندهی پولیس شهر کابل وجود ندارد تا مانع آلوده شدن دست کارمندان حوزه به فساد شود. جلسات شش‌ونیم نیز آنچنان که انتظار می‌رفت همه قضایای امنیتی شهر کابل را پوشش داده نتوانست. بنابراین برقراری امنیت در شهر کابل نیاز به تجدید نظر در برنامه و عمل دارد.

پویا است. بنابراین هدف اصلی در صلح اجتماعی به حداقل رساندن اختلاف‌ها و درگیری‌های است که ممکن است ناشی از وضعیت‌های اجتماعی میان افراد جامعه باشد. جامعه‌شناسان صلح در این راستا نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از مهم‌ترین مؤلفه‌های صلح اجتماعی می‌توان از رواداری، به رسمیت‌شناختن دیگری، مشارکت، دموکراسی، آزادی بیان، رفاه نسبی شهروندان، سلامت اجتماعی، ثبات اجتماعی و حفظ و رعایت حقوق شهروندی است. صلح اجتماعی محصول و کارکرد سیستم‌های اجتماعی پایدار است. سیستم‌هایی که نبض فرهنگی و اجتماعی جوامع را به‌دست دارند و همچون دینامیزم حرکتی جوامع به سمت آینده حرکت می‌کنند. به‌عنوان مثال سیستم عدلی و قضایی مناسب، سیستم‌های آموزشی و ... در صورت کارکردهای مناسب، جامعه را به سمت ثبات اجتماعی حرکت می‌دهند. همچنین در نبود صلح اجتماعی این خطر وجود دارد که کارکردهای سیستم‌های اجتماعی مختل شود. مادامی که سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه کارکرد مطلوب نداشته باشند، بحران‌های اجتماعی و به تبع آن بحران‌های سیاسی خلق می‌شود. بنابراین شناخت این سیستم‌ها و مراقبت از کارکرد آن‌ها امری حیاتی برای تأمین صلح در یک جامعه به‌شمار می‌رود.

شکی نیست که گروه طالبان با توجه به ماهیتی که برای خود تعریف کرده است عامل ترویج و مشروعیت‌بخشی حجم وسیعی از خشونت در جامعه هستند. مهم‌ترین عامل استفاده آن‌ها از این حجم گسترده از خشونت، تفکر رادیکال آنان و برداشت سنتی آنان از آموزه‌های دینی و واقعیت تاریخی است. به همین دلیل است که آن‌ها علاقه عجیبی به استفاده از ترمها و مفاهیم دینی همچون جهاد، مجاهد و ... برای دست‌یابی به اهداف شورانه خود دارند. سنت رادیکالی که آن‌ها از آن تغذیه می‌کنند، مفاهیم و امکان‌های گسترده‌ای را در این زمینه در اختیار آنان برای تولید خشونت قرار می‌دهند.

گروه بنیادگرای طالبان با مشروعیت‌بخشی به خشونت و بازتعریف واژه‌هایی چون جهاد، مجاهد و کفار و ... در طول دو و نیم دهه گذشته تلاش کردند تا نظم سیاسی را به چالش بکشند. به قول دکتر ابوالفضل فصیحی، «آنها با تقدیس خشونت ثابت کردند که شورش‌های قدرتمندی هستند. اما پرسش این است که سازندگان و نظم‌دهندگان اجتماعی خوبی نیز هستند؟» با توجه به این‌که آن‌ها ماهیت خود را در ضدیت با برخی عناصر مانند زنان، حقوق بشر، دولت، امریکا و ... تعریف کرده‌اند و با توجه به کارنامه حکومت‌داری آن‌ها در سال‌های حاکمیت‌شان و همچنین عدم انعطاف‌پذیری آنان در رابطه با زنان و عناصر مدرن در گفت‌وگوهای صلح دوحه، می‌توان چنین استنباط کرد که آن‌ها هیچ‌گاه نظم‌دهندگان اجتماعی خوبی، نمی‌توانند باشند. چرا که صلح اجتماعی با مفاهیم همچون به رسمیت‌شناختن حقوق اقلیت‌ها، زنان و سایر گروه‌های اجتماعی پیوند می‌خورد. رواداری در آن یک اصل است. حقوق بشر در آن یک ارزش است. به رسمیت‌شناختن حقوق دیگری از شاخص‌های مهم صلح اجتماعی است. تمامی مواردی که به‌نظر می‌رسد هویت گروه طالبان، پذیرش آن‌ها را برنمی‌تابد. از دل چنین وضعیتی ناامن، تکرار چرخه خشونت و وضعیت ناصح به‌وجود می‌آید. وضعیتی که آنارشیسم اجتماعی و ناکارآمدی سیستم‌های اجتماعی را به دنبال دارد.

در نهایت این‌که دولت استبدادی و سه‌ضلعی فعلی (غنی، فضلی و محب) با کنترل نهادهای قدرت به‌صورت آشکار نوعی تبعیض و وضعیت ناصح را ایجاد کرده است. دولت سه‌ضلعی اشرف غنی به‌صورت عریان دست به خشونت ساختاری می‌زند. خشونت که به موجب آن بخش‌هایی از جامعه و گروه‌های اجتماعی با تبعیض آشکار در استفاده از منابع و ظرفیت‌ها مواجه‌اند. واضح است که پیامد چنین رویکردی بحران مشروعیت و حاکمیت را به‌وجود می‌آورد. همچنین در لایه‌های پنهان چنین سیاستی، خشونت در مقیاس وسیع گسترش و مشروعیت می‌یابد. خشونت سازمان‌یافته در قالب قانون و نهاد که به نابرابری اجتماعی و سیاسی و طرد گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود.



پوتین درباره فروش ماهواره جاسوسی پیشرفته به ایران: خبر جعلی است



است که به دارندة آن اجازه می‌دهد مراکز مختلف از جمله پالایشگاه‌ها و تاسیسات نفتی کشورهای خلیج فارس، مراکز و پایگاه‌های نظامی کشورهای منطقه از جمله اسرائیل و پایگاه‌های نیروهای آمریکایی در خاورمیانه را زیر نظر بگیرد.

پیشتر جان کربی، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در باره صحت این گزارش گفته بود نمی‌تواند آن را تأیید کند. واشنگتن پست نوشته بود خرید این تجهیزات موضوع مذاکرات گسترده بین مقامات نظامی ایران و روسیه بوده و طی دو سال گذشته، تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای مذاکره در این مورد به روسیه سفر کرده‌اند.

روابط آمریکا و روسیه

آقای پوتین در بخشی از این مصاحبه که پیش از دیدار او با جو بایدن انجام شده گفته است روابط روسیه و

اطلاعات روز: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه گزارش روزنامه واشنگتن پست در باره فروش یک ماهواره جاسوسی پیشرفته به ایران را رد کرده و آن را «خبر جعلی» خوانده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، روزنامه آمریکایی واشنگتن پست به نقل از «شماری از مقامات فعلی و سابق آمریکا و خاورمیانه» نوشته بود روسیه می‌خواهد یک سیستم جاسوسی ماهواره‌ای پیشرفته به ایران بفروشد که به این کشور توانایی بی‌سابقه‌ای در ردیابی اهداف نظامی در سراسر منطقه و ورای آن می‌دهد.

آقای پوتین در مصاحبه با شبکه خبری ان‌بی‌سی آمریکا با رد این گزارش گفته است «من چیزی در این خصوص نمی‌دانم» او این گزارش را «کاملاً مزخرف» خوانده است. روزنامه واشنگتن پست نوشته بود سیستمی که قرار است به ایران تحویل داده شود، شامل ماهواره کانوپوس وی است که مجهز به دوربین با وضوح بالا

آمریکا «به پایین‌ترین سطح» خود رسیده است. قرار است روسای جمهوری روسیه و آمریکا روز چهارشنبه در ژنو دیدار کنند.

آقای پوتین گفته است ما یک رابطه دوجانبه داریم که به پایین‌ترین سطح در سال‌های اخیر رسیده است. آقای پوتین در این مصاحبه از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا تمجید و از او به عنوان «یک فرد فوق العاده با استعداد» نام برد و گفت جو بایدن، به عنوان یک سیاستمدار حرفه‌ای «کاملاً متفاوت» از ترامپ است.

آقای بایدن پیش از سفر اروپایی خود به خبرنگاران گفته بود «ما به دنبال درگیری با روسیه نیستیم، ما یک رابطه پایدار و قابل پیش بینی می‌خواهیم».

آقای بایدن در عین حال گفته است در دیدار با ولادیمیر پوتین او را برای احترام به حقوق بشر تحت فشار خواهد گذاشت.

مخالفان حکومت ایران در نشست مجازی خواهان تحریم انتخابات شدند

۸۵ میلیون ایرانی توسط جمهوری اسلامی به «گروگان» گرفته شده و تا این نظام نرود، مردم در بدبختی و فقر و محرومی خواهند ماند.

وی به وضعیت «بسیار بد» زندانیان سیاسی و محرومیت‌های آنها اشاره کرد و گفت در زندان‌ها «فاجعه» اتفاق می‌افتد.

حانم سپهری افزود، مردم ایران ملت «غارت‌شده و بدبختی» است که باید دست به دست هم دهد و از دست جمهوری اسلامی خلاص شود.

ناهدی بهمنی از حزب کومله نیز در این نشست گفت نباید در انتخابات شرکت کرد چون حکومت طی سال‌های گذشته از انتخابات به عنوان ابزاری برای مشروعیت نظام

در این نشست از داخل ایران نیز سخنرانی‌هایی بود که اسامی و تصویر برخی از آنها به خاطر ریسک‌های امنیتی منتشر نشد، اما همسر محمد نوری‌زاد مستندساز و زندانی سیاسی پیام وی از زندان را قرائت کرد که در آن می‌گوید کسانی که به پای صندوق‌های رای می‌روند «پنجه در خون و مال ناموس و آبروی» مردمی فرو می‌برند که توسط «داعشیان درنده ولایی» از پای درآمده‌اند.

وی هشدار داد که رای دادن سهمیم شدن در «جنایات» جمهوری اسلامی است.

همچنین فاطمه سپهری از امضاکنندگان بیانیه درخواست استعفای آیت‌الله علی خامنه‌ای موسوم به بیانیه ۱۴ گفت

اطلاعات روز: شماری از فعالان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی روز جمعه ۱۹ جوزا با برگزاری نشستی مجازی خواهان تحریم انتخابات پیش رو در ایران شدند.

به گزارش رادیو فردا، این نشست با حضور شخصیت‌هایی چون رضا پهلوی، حسن شریعتمداری، اسماعیل نوری علا، فاطمه سپهری، امیر اعتمادی، مسیح علی‌نژاد و محبوبه رضایی مادر پژمان قلی‌پور از کشته‌شدگان عقب ۹۸ برگزار شد. همچنین محمد نوری‌زاد نیز از زندان پیامی فرستاده بود که همسر وی آن را خواند.

شاهزاده رضا پهلوی در این نشست با اشاره به حضور طیف‌های مختلف اپوزیسیون گفت، «کنون هم‌میهنان ایرانی می‌بینند ما با گرایش‌های مختلف همزیستی داریم و باید روزی چنین روندی در ایران حکمفرما باشد».

وی عنوان کرد، با توجه به بحرانی که ایران را فراگرفت و در همه این ۴۰ سال گذشته شاهد آن بودیم، ایجاد تشکیلی از نیروهای اپوزیسیون، و به راه انداختن کمپین‌هایی مانند کمپین «رای بی‌رای» لازم است.

آقای پهلوی در ادامه اظهار داشت: «بزرگترین دشمن نظام‌های دیکتاتوری همبستگی مردم است و هیچ نیروی داخلی و خارجی در مقابل آن نمی‌تواند ایستادگی کند، اگر چه سعی خواهند کرد آن را تخریب کنند و باید هشیار بود که این اتفاق نیفتد».

همچنین حسن شریعتمداری از چهره‌های اپوزیسیون خارج از کشور در این نشست انتخابات در ایران را به «سیرک» تشبیه کرد و گفت نباید در انتخابات شرکت کرد.

وی تأکید کرد که حکومت ایران دستش به خون مردم در موارد متعدد آلوده شده و مشروعیت ندارد.

استفاده کرده است. مسیح علی‌نژاد از کنشگران مدنی هم پیشنهاد تشکیل «شورای ملی براندازی» در خارج از ایران را داد و گفت اپوزیسیون واقعی در اعتراضاتی بود که طی سال‌های ۹۶ و ۹۸ اتفاق افتاد. وی گفت جمهوری اسلامی در شان مردم ایران نیست.

شاهین نجفی خواننده ایرانی نیز در این نشست عنوان کرد که اگر نسل‌های پیشین ۴۰ سال پیش حقیقت را جدی می‌گرفتند، وی در سن ۴۰ سالگی مجبور به زندگی در خارج از کشور نبود. او جمهوری اسلامی را نظامی «ضد حقیقت» خواند.

انتخابات ریاست جمهوری ۲۸ ماه جوزا در حالی برگزار خواهد شد که به روال ۴۳ سال گذشته با رد صلاحیت گسترده منتقدان جمهوری اسلامی همراه است.

در این انتخابات هفت نفر تایید صلاحیت شده‌اند که پنج نفر از آن‌ها یعنی ابراهیم ریسی، محسن رضایی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی و امیرحسین قاضی‌زاده به جناح اصولگرا نزدیک هستند.

عبدالنصر همتی، رئیس پیشین بانک مرکزی ایران و محسن مهرعلیزاده، رئیس سازمان تربیت بدنی در دوره دوم محمد خاتمی نیز دو کاندیدای تایید صلاحیت شده دیگر هستند.

اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی، علی لاریجانی رئیس پیشین مجلس، مصطفی تاج‌زاده از چهره‌های سرشناس اصلاح طلب، مسعود پزشکیان نائب رئیس سابق مجلس و محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم نیز از رد صلاحیت‌شدگان بزرگ این دوره از رقابت‌های انتخاباتی هستند.



د کهرنی، اوبو گولو او مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیرمشورتی

«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/ G116/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه «تدارک، انتقال و نصب ۹ قلم وسایل ای تی برای فعال ساختن سیستم الکترونیکی توزیع سرتیفکت صحت و تفرنی در ریاست صحت حیوانی و ۱۱ بندر زمینی هوانی» تحت نمبر تشخیصیه {MAIL/PD/NCB/G116/1400} اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت {۱۰:۰۰} قبل از ظهر روز {دوشنبه} مورخ {۱۴/۰۴/۱۴۰۰} ارایه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمی باشد. تضمین آفر مبلغ -۷۰۰,۰۰۰- هفتصد هزار افغانی بشکل (بانک گرننتی). طبق شرطنامه و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.

آدرس مکان جلسه: اطاق جلسات آفر گشایی، تعمیر حفظ و مراقبت منزل دوم عقب منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري.

نوت: داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب سایت NPA.GOV.AF داوطلبان نمایند. در صورت عدم داوطلبی از وب سایت، داوطلبان می توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع منزل اول تعمیر معینیت مالی واداری بطور رایگان بدست آورند.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی
بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز
مترجم: جلیل پژواک
ویراستار: شیر مهریار
صفحه آرا: رضا مظفری
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

سخیډاد هائف

یوې از کاربران در فضای مجازی پرسیده بود که چه اصراری هست که کشتار سیستماتیک هزاره‌ها را «نسل‌کشی» یا «جنوساید» (Genocide) بخوانیم. او گفته بود که کشتار کشتار است و از این جهت تمام مردم افغانستان قربانیان ستم تروریست‌هایند.

فرض کنید دو خانواده‌ی هفت نفری داریم که در دو شهر افغانستان زندگی می‌کنند. در هر یک از این خانواده‌ها پدری هست و مادری با سه پسر و دو دختر. اولی را خانواده‌ی جیم می‌نامیم و دومی را خانواده‌ی قاف. در یکی از روزهای تابستان چند نفر وارد خانه‌ی اولی می‌شوند (خانواده‌ی جیم) و تمام هفت نفر عضو آن خانواده را به قتل می‌رسانند و از خانه دور می‌شوند. در همان روز، در شهری دیگر، دو نفر بر خانواده‌ی قاف حمله می‌کنند و تمام اعضای آن خانواده را از بین می‌برند و می‌روند. آیا از نظر انسانی در تجربه‌ی تراژیک این دو خانواده تفاوتی هست؟ نه.

آیا کشتار هفت عضو خانواده‌ی جیم کمتر از کشتار هفت عضو خانواده‌ی قاف است؟ نه.

آیا این جنایت‌های جدا از هم باید به نحو یکسان مورد تحقیق و دادرسی قرار بگیرند؟ بله.

اکنون، از این سطح گزارش عبور کنید و این اطلاعات را بر دانسته‌های قبلی‌تان اضافه کنید:

هر دو خانواده‌ی هفت نفری مذکور، در دو شهر متفاوت، از قوم هزاره بوده‌اند. خانواده‌ی جیم از چند سال پیش با یکی از همسایه‌های خود بر سر مالکیت بیست جریب زمین منازعه داشته. مردان هر دو طرف چندین بار با هم درگیری فیزیکی داشته‌اند و در یکی از این درگیری‌ها پسر جوان همسایه چشم راست خود را از دست می‌دهد. حالا که حکومت عاملان قتل خانواده‌ی جیم را دستگیر کرده، معلوم شده که آن جوان چشم از دست داده از سر خشم و حس انتقام چند

نفر مسلح از دوستان خود را متقاعد می‌کند که بر خانواده‌ی جیم حمله کنند و همه‌ی افراد آن خانواده را به قتل برسانند.

در مورد دوم نیز پولیس موفق شده قاتلان خانواده‌ی قاف را دستگیر کند. آن دو قاتل اعتراف کرده‌اند که از مدت‌ها قبل برنامه داشته‌اند که آن خانواده‌ی «هزاره» را نابود کنند. گفته‌اند که با هزاره‌ها دشمنی دارند و هر جا که ممکن باشد به قتل و آزار این مردم خواهند پرداخت.

اگر کسی دقت کند، در این جا با دو گونه‌ی متفاوت «کشتار» روبه‌رویم. در مورد اول (خانواده‌ی جیم)، قاتلان از روی خشم و انتقام به کشتن خانواده‌ای برخاسته‌اند که به‌نظر قاتلان سزاوار چنان مجازات وحشتناکی بوده است. مبنای آن خشم و آن مجازات اما هویت

نسل‌کشی را بفهمیم



مسائل مختلف با همدیگر دچار اختلاف و نزاع می‌شوند و گاهی این نزاع‌ها ممکن است با خشونت‌های شدید همراه باشند. اما این فرق دارد با این که به یک مجموعه‌ی انسانی بگوییم «شما چرا اصلاً وجود دارید؟ ما نمی‌خواهیم و نمی‌گذاریم که شما وجود داشته باشید. نفس حیات و هستی‌تان، صرفاً زنده بودن‌تان، در نظر ما مشکلی است که باید رفع شود.»

در مثال بالا، کسانی که اعضای خانواده‌ی جیم را کشتند، الف) به هویت نژادی آن خانواده کاری نداشتند و اختلاف‌شان بر سر چیز دیگری بود و ب) نفرت و جنایت‌شان به بقیه افراد جامعه که با خانواده‌ی جیم اشتراک هویتی-اتنیکی داشتند، تعمیم نمی‌یافت. کارشان جنایت کارانه و مجرمانه بود و سزاوار

نژادی یا مذهبی مقتولان نیست. مبنای آن خشم و آن قتل دعوی مالکیت بر بیست جریب زمین مورد منازعه است. در مورد دوم (خانواده‌ی قاف)، مبنای آن جنایت نفرتی است که قاتلان از یک گروه نژادی دارند. در مورد دوم، عاملان جنایت خانواده‌ی قاف را تنها به این دلیل نابود کرده‌اند که اعضای آن خانواده متعلق به قوم هزاره بوده‌اند.

کسی ممکن است بگوید: «خیلی خوب، تفاوت روشن شد. اما هنوز سوال این است که واقعا چه فرقی می‌کند که کی به چه علتی کشته شده؟ به هر حال، دو خانواده‌ی هزاره نابود شده‌اند و هر دو خانواده هفت عضو داشته‌اند.»

فرق‌شان این است:

انسان‌ها در همه‌ی جوامع پیوسته بر سر

مجازات قانونی؛ اما انگیزه و دامنه‌ی آن فرق داشت. به همین خاطر، هرچند در آن مورد نیز هفت نفر کشته شدند، نمی‌توان آن را مصداق و آغاز یا ادامه‌ی نسل‌کشی دانست. در مورد خانواده‌ی قاف، الف) انگیزه‌ی قاتلان نفرت نژادی-اتنیکی بود و ب) دامنه‌ی آن جنایت شامل تمام افرادی می‌شد که اشتراک هویتی-اتنیکی با خانواده‌ی قاف داشتند. این یکی می‌تواند مصداق و آغاز یا ادامه‌ی نسل‌کشی تلقی شود. از یاد نبریم که مصداق نسل‌کشی معمولاً سابقه دارند و با نمونه‌ها و مصداق بسیار دیگری همراه‌اند. به بیانی دیگر، معمولاً این طور می‌شود که کشتار در خانواده‌ی قاف فقط یک نمونه از یک روند سیستماتیک است که صدها نمونه‌ی مشابه و مرتبط دارد.

نسل‌کشی با جنایت‌های دیگر از این جهت فرق می‌کند که در نسل‌کشی مبنای جنایت شما دست یافتن به خواسته‌های مشخصی در میان قربانیان‌تان نیست. در نسل‌کشی خواسته‌ی شما اساساً نابود کردن خود همان مجموعه‌ی انسانی است. از این نظر، نسل‌کشی از هیچ منطق متعارفی پیروی نمی‌کند. چرا که با هیچ حساب و منطق دیگری (جز نفرت کور نژادپرستانه) نمی‌توان خواهان نابودی تمام کسانی شد که صرفاً واجد فلان هویت اجتماعی مشترک هستند.

بعضی می‌گویند هزاره‌ها آماج نسل‌کشی نیستند، چون هنوز همه‌شان نابود نشده‌اند! پاسخ این سخن این است: دقیقاً به همین خاطر، همین حالا وقت آن است که علیه جریان نسل‌کشی بایستیم. کل قصه همین است که نسل‌کشی را قبل از آن که توفیق کامل بیاید تشخیص کنیم و علیه آن بایستیم. این که نسل‌کشی را حتا در جلوه‌های محدودترش بشناسیم، معنایش این نیست که آنچه شناخته‌ایم نسل‌کشی نیست. معنایش فقط این است که آن را قبل از اجرایی شدن کاملش شناخته‌ایم. و این خوب است.

 <p>د کهرنی، اوبو لگولو او مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	<p>د افغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p> <p>معينيت مالي و اداري رياست تهيه و تداركات امريت تداركات اجناس و خدمات غيرمشورتي</p>	
<h3>«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»</h3>		
<p>شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G48/1400</p> <p>رياست تهيه و تداركات وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرايط دعوت مي‌نمايد تا در پروسه داوطلبی پروژه (تدارک ۱۶ قلم قرطاسيه‌باب مورد ضرورت سال مالی ۱۴۰۰) تحت شماره تشخيصيه (MAIL/PD/NCB/G48/1400) اشتراك نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرايط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تداركات عامه الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روز سه‌شنبه مورخ ۱۵/۰۴/۱۴۰۰ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ (۴۵,۰۰۰) چهل و پنج هزار افغانی طبق شرطنامه، و شرايط اهليت (طبق ماده ۱۷ قانون تداركات عامه) می‌باشد. آدرس مکان جلسه: اتاق جلسات آفرگشایی منزل دوم، تعمیر حفظ و مراقبت، عقب ریاست منابع بشري، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري. داوطلبان می‌توانند اسناد مکمل داوطلبی را از وبسایت اداره تداركات ملي www.npa.gov.af دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از وبسایت، می‌توانند شرطنامه را در سی‌دی یا فلش دیسک بشکل سافت و مجانی از امریت تداركات اجناس و خدمات غیرمشورتي ریاست تهيه و تداركات واقع تعمیر معینیت مالی و اداری منزل اول وزارت زراعت، آبیاری و مالداري بدست آورند.</p>		

 <p>د کهرنی، اوبو لگولو او مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	<p>د افغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p> <p>معينيت مالي و اداري رياست تهيه و تداركات امريت تداركات ساختماني مدیریت عمومی تداركات ساختمانی</p>	
<h3>«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»</h3>		
<p>شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/W/21/1400</p> <p>رياست تهيه و تداركات وزارت زراعت، آبياري و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرايط دعوت مي‌نمايد تا در پروسه داوطلبی پروژه اعمار ديوار احاطه کلکسيون ملي ميوه‌جات فارم تحقيقات زراعتی کوهکران ولايت کندهار اشتراك نموده شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) و یا در سی‌دی (CD) بطور رایگان از امریت تداركات امور ساختمانی و یا از سیستم تداركات الکترونیکی و باز افغانستان (tenders.ageops.net) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرايط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تداركات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۳ سرطان ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشري اطاق جلسات ریاست تهيه و تداركات ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ دوصد و پنجاه هزار افغانی به صورت ضمانت بانکی بوده و جلسه آفرگشایی به تاریخ معینه ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشایی ریاست تهيه و تداركات تدویر می‌گردد.</p>		

<p>د افغانستان اسلامي جمهوريت دولت دعامي روغتيا وزارت د معالجوي طب عمومي رياست د تخصصي او نالتي روغتونو رياست د رابعه بلخي روغتون رياست داداري مدیریت د تداركاتو مدیریت</p>	<p>د افغانستان اسلامي جمهوري دولت وزارت صحت عامه رياست عمومي طب معالجوي رياست شفاخانه‌ي تخصصي و نالتي رياست شفاخانه رابعه بلخي مدیریت عمومی اداری مدیریت تداركات</p>
<h3>«اطلاعيه بر ننده گی»</h3>	
<p>بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تداركات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود که ریاست شفاخانه رابعه بلخي در نظر دارد قرارداد ۲۸ قلم مواد تنظیفاتی را به (شرکت خدمات لوژستیکي احمداسدحنیفی، نمبر جواز ۹۳۴۸-۰۱۰۱، آدرس جاده میوند مرکز کابل) را به قیمت مجموعی مبلغ (۳۲۸۹۷۴۰) سه میلیون و دوصد و هشتاد و نه هزار و هفت صد و چهل افغانی اعطا نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست شفاخانه رابعه بلخي واقع ناحیه دوم، فروشگاه، مقابل هتل کابل سرینا وفق احکام ماده پنجاهم قانون تداركات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.</p>	

معاش‌های حکمی در اداره اترا؛ بلندترین سقف ۶۳۵ هزار افغانی است

لیاقت لایق



رئیس اداره‌ی تنظیم خدمات مخابراتی می‌گوید که این میزان معاش را رئیس‌جمهور برای‌شان تعیین کرده است. اسنادی که به اطلاعات روز رسیده نیز نشان می‌دهد که معاشات هنگفت از سوی رئیس این اداره به ریاست‌جمهوری پیشنهاد و از سوی رئیس‌جمهور به گونه‌ی حکمی اجرا شده است.

اطلاعات رسمی که به روزنامه اطلاعات روز رسیده نشان می‌دهد بلندترین سقف معاشات کارمندان اداره‌ی تنظیم خدمات مخابراتی افغانستان (اترا)، ماهانه ۶۳۵ هزار افغانی است. جدول معاشات کارمندان این اداره در ده بخش و هر بخش در ده درجه تقسیم‌بندی شده است که پایین‌ترین آن ماهانه هشت هزار و بلندترین آن ۶۳۵ هزار افغانی است.

براساس جدول معاشات کارمندان اداره تنظیم خدمات مخابراتی، برای رئیس و معاونان جدول تنظیم خدمات مخابراتی از ۴۱۰ هزار تا ۶۳۵ هزار افغانی معاش در نظر گرفته شده است. همچنان برای اعضای بورد از ۲۷۰ هزار تا ۴۷۲ هزار و ۵۰۰ افغانی ماهانه معاش تعیین شده است.

همچنان معاش رییس‌ان عمومی و مشاوران از ۱۶۰ هزار تا ۳۲۰ هزار افغانی، رییس‌ان و متخصصان از ۱۲۸ هزار تا ۲۵۶ هزار افغانی، معاونان، آمران، مدیران و کارشناسان از ۷۶ هزار تا ۱۴۰ هزار افغانی تعیین شده است. سایر کارمندان اداره اترا به‌شمول کارمندان مسلکی، مدیران گروه، کارمندان اداری و کارگران خدماتی و تکنیکی نیز از هشت‌هزار افغانی تا ۸۹ هزار افغانی معاش می‌گیرند.

همچنین اسنادی که به اطلاعات روز رسیده نشان می‌دهد معاشات هنگفت برای شماری از کارمندان اداره اترا از سوی مسئولان این اداره براساس جدول معاشات به ریاست‌جمهوری پیشنهاد و با حکم رئیس‌جمهور اجرا شده است. براساس قانون تنظیم خدمات مخابراتی، معاش و امتیازات رئیس، معاونان، اعضای بورد و سایر کارمندان اداره اترا با کارشیوه‌ی مشخصی تنظیم می‌شود. این کارشیوه از سوی شورای عالی اقتصادی تهیه می‌شود.

اتهام فساد

معاشات و امتیازات کارمندان اداره تنظیم خدمات مخابراتی اخیراً مورد انتقاد شدید اعضای مجلس نمایندگان قرار گرفته است. این انتقادها در شبکه‌های اجتماعی نیز بازتاب یافته است. ویدیوهایی در شبکه‌های اجتماعی نشر شده که نشان می‌دهد شماری از اعضای مجلس نمایندگان با ارائه‌ی آمارهای بلند از معاشات و امتیازات کارمندان اداره اترا، مسئولان این اداره را به فساد متهم می‌کنند و خواهان بررسی این موضوع اند.

در یک مورد خان‌آغا رضایی، عضو مجلس نمایندگان می‌گوید: «فساد به اوج رسیده، رئیس اداره اترا یک میلیون افغانی معاش

می‌گیرد. در بحث یکسان‌سازی معاشات دریافتیم که اداره اترا کمترین معاش ۳۰۰ هزار افغانی است، به‌ویژه هیأت رهبری آن‌ها».

اخیراً مسئولان کمیسیون مواصلات و مخابرات مجلس نمایندگان نیز در یک نشست استجویی خواهان وضاحت در خصوص معاشات هنگفت کارمندان اداره اترا شدند. ویدیویی که از این نشست در شبکه‌های اجتماعی نشر شده، نشان می‌دهد اعضای کمیسیون مواصلات و مخابرات مجلس از عمرمنصور انصاری، رئیس اداره اترا درباره‌ی معاشات هنگفت کارمندان این اداره به‌ویژه رئیس و اعضای بورد آن انتقاد کرده و وضاحت می‌خواهند. در این ویدیو ظهیرالدین جان‌آغا، عضو کمیسیون مواصلات و مخابرات با اشاره به اسناد دست‌داشته‌اش می‌گوید:

«معاش رئیس اداره ۵۳۵ هزار و از اعضای بورد آن ۴۱۰ هزار افغانی است. معاش معاونان هم ۴۸۵ هزار. رسانه‌ها بدانند که این میزان معاش نه وزیر دارد نه رئیس‌جمهور دارد نه وکیل دارد. درحالی‌که معلم هفت‌هزار معاش می‌گیرد. این معاش را هم خودشان تعیین کرده. نه رئیس‌جمهور تعیین کرده نه پارلمان. امتیازات دیگر برعلاوه برای موتر زره و دیگر چیزها هم دارند».

اترا بریده، رئیس‌جمهور دوخته

در پاسخ به انتقاد اعضای مجلس نمایندگان، عمرمنصور انصاری، رئیس اداره‌ی تنظیم خدمات مخابراتی می‌گوید که این میزان معاش را رئیس‌جمهور برای‌شان تعیین کرده است. اسنادی که به اطلاعات روز رسیده نیز نشان می‌دهد که معاشات هنگفت از سوی رئیس این اداره به ریاست‌جمهوری پیشنهاد و از سوی رئیس‌جمهور به گونه‌ی حکمی

اجرا شده است.

به گونه‌ی نمونه براساس حکم ۲۸۰ رئیس‌جمهور، تاریخ هشتم ثور ۱۳۹۹، معاش عمرمنصور انصاری، سرپرست و معاون تکنیکی اداره اترا با پیشنهاد خودش، به درجه‌ی Z6 منظور شده است. این درجه‌ی معاش در جدول معاشات کارمندان اداره اترا ۵۳۵ هزار افغانی است. نامی پیشنهادی مسئولان اداره اترا به ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد که معاش رییس‌ان پیشین این اداره به درجه‌ی Z7، معادل ۵۶۰ هزار افغانی بوده است. همچنان معاش معاون تکنیکی پیشین اداره نیز به درجه‌ی Z6، معادل ۵۳۵ هزار افغانی بوده است.

در نمونه‌ی دیگر، معاش زهرا نظری و حمیدالله شیرانی اعضای بورد تنظیم خدمات مخابراتی، براساس حکم ۲۷۹ رئیس‌جمهور، تاریخ هشتم ثور ۱۳۹۹ بنابر پیشنهاد مسئولان اداره اترا، به درجه‌های Y3 و Y5 تعیین شده است. این درجه‌های معاش در جدول معاشات اداره اترا به ترتیب معادل ۳۱۵ هزار و ۳۶۰ هزار افغانی است.

همچنان برای عضویت در شورای عالی اداره اترا، معاش سه نفر از متخصصان، نوریه رضازاده، اجمل پیمان و محمدفیروز رفیق، بنابر پیشنهاد رئیس این اداره و حکم ۲۸۱ رئیس‌جمهور، تاریخ هشتم ثور ۱۳۹۹، به درجه‌ی Z1 تعیین شده است. درجه‌ی Z1 در جدول معاشات اداره اترا معادل ۴۱۰ هزار افغانی است.

اسناد از مقرری‌های دیگر نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مسئولان اداره اترا معاش‌های هنگفت برای متخصصان و مشاوران این اداره تعیین و با حکم رئیس‌جمهور اجرا

کرده است. اجرای معاش حکمی در حالی است که براساس قانون تنظیم خدمات مخابراتی، امتیازات و معاشات کارمندان این اداره به اساس کارشیوه‌ی مشخص تنظیم می‌شود.

پاسخ اترا چیست؟

مسئولان اداره اترا درباره‌ی مبنای قانونی جدول معاشات این اداره و براساس آن اجرای معاش‌های حکمی هنگفت جزئیات نمی‌دهد اما می‌گوید که معاشات به اساس قانون تنظیم خدمات مخابراتی و کارشیوه‌ی «CBR» اجرا می‌شود. هرچند مسئولان این اداره در نخست اجرای معاش‌های هنگفت برای رئیس و کارمندان این اداره را مبنی بر ادعای اعضای مجلس نمایندگان رد کرد اما پس از آن در پاسخنامه‌ای که به اطلاعات روز فرستاده گفته است:

«اداره اترا یک واحد غیربودجی است که مصارف و معاشات کارمندان را براساس قانون تنظیم خدمات مخابراتی از عواید خود تمویل می‌کند. اداره اترا هیچ گاه از وزارت مالیه و بودجه‌ی ملی بودجه نمی‌گیرد. درحالی‌که سازمان‌های جهانی توصیه کرده‌اند که برای ایجاد شفافیت در عملکرد و حفظ معیارها، معاشات باید معادل معاشات کارکنان شرکت‌های مخابراتی باشد. ولی با آن هم معاشات کارمندان این اداره به مقایسه‌ی معاشات و امتیازات کارمندان شرکت‌های مخابراتی و سایر ادارات تنظیم مارکیت به اندازه‌ی قابل ملاحظه کمتر است.»

سعید شینواری، مسئول مطبوعات اداره اترا به اطلاعات روز می‌گوید که این اداره مستقل است و از سوی هیچ اداره‌ای کنترل نمی‌شود، بلکه امور این اداره براساس قانون

توسط شورای عالی این اداره تنظیم می‌شود که در آن وزارت مالیه و وزارت عدلیه نیز عضویت دارند.

اکنون مسئولان وزارت مالیه در مورد جدول معاشات اداره اترا و چگونگی ترتیب آن پاسخ نمی‌دهند. پیش ازین مسئولان بخش مطبوعات وزارت مالیه به اطلاعات روز گفته بودند که معاشات حکمی در ادارات بلندتر از سقف تعیین‌شده‌ی معاشات کارمندان خدمات ملکی با حکم رئیس‌جمهور اجرا می‌شود که اطلاعات آن در وزارت مالیه وجود ندارد.

براساس اطلاعات وزارت مالیه کارمندان خدمات ملکی بنا بر مصوبه‌ی بودجه‌ی ملی در هر ماه از هفت‌هزار تا ۲۵۰ هزار افغانی معاش دارند. بیشتر از آن اگر در ادارات افراد معاش می‌گیرند با حکم رئیس‌جمهور معاش می‌گیرند و از کنترل وزارت مالیه خارج است.

از چندین سال به این‌سو کارمندان پایین‌رتبه‌ی دولتی و نمایندگان مردم در مجلس به معاشات و امتیازات هنگفت کارمندان بلندرتبه دولتی انتقاد دارند و خواهان افزایش معاشات کارمندان پایین‌رتبه‌اند. به همین دلیل از سال‌ها به این‌سو قرار است برای تعدیل معاشات سیستم جدید مدیریت معاشات کارمندان خدمات ملکی تهیه و تطبیق شود. براساس این سیستم قرار است از معاشات کارمندان بلندرتبه کم و به معاشات کارمندان پایین‌رتبه اضافه شود و از معاشات و امتیازات بی‌رویه جلوگیری شود. گرچند که ایجاد این سیستم از تعهدهای مهم حکومت افغانستان به جامعه‌ی جهانی است اما بنا بر دلایلی نامعلوم هنوز تطبیق نشده است.



فروشگاه F45
 افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info